



شماره ۸۴۱، ۶ اردیبهشت ۱۳۸۹
دوره هشتم، سال بیست و چهارم

نگاهی به سیاست های ضدکارگری رژیم ولایت فقیه در سال ۱۳۸۸

می شده است. کارگران میهن، همچون سال های گذشته، با بیکاری های ناشی از اتخاذ سیاست های اقتصادی مواجه بوده اند که جهت گیری های آن در راستای منافع کلان سرمایه داران حاکم بوده است. عدم پرداخت به موقع

در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگر، روز جهانی زحمتکشان، نگاهی به وضعیت کارگران میهن نمایشگر ابعاد و پیامدهای سیاست های ویرانگری است که رژیم ولایت فقیه در رابطه با طبقه کارگر میهن مان به کارگرفته است. حکایت فشار به نیروی کار در سال گذشته، ادامه روندهایی است که در طول سالیان گذشته بر ضد نیروی کار و به نفع استثمارگران اعمال

ادامه در صفحه ۷

درص ۳	حقوق سندیگایی
درص ۴	حکم اخراج از کار برای فعالان سندیگایی
درص ۷	کارگران در جبهه متحد ضد استبدادی می رزمند
درص ۱۲	دستکاری گسترده در انتخابات سودان

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت فرا رسیدن اول ماه مه، روز همبستگی رزمی زحمتکشان جهان!

پیش به سوی ارتقای کیفی نقش طبقه کارگر در جنبش عمومی مردم برضد رژیم استبدادی ولایت فقیه!



کارگران و زحمتکشان شریف! کمیته مرکزی حزب توده ایران فرا رسیدن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ماه)، روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان جهان، روز گرامی داشت سن خجسته و تاریخی بیش از یک سده مبارزات جنبش کارگری

زنان کارگر، اصلاح قانون کار، و سیاست های دولت کودتا

دولت نامشروع کودتا در سلسله اقدامات خود برای کاستن از نقش فزاینده زنان در جامعه، اخیراً از تدوین برنامه ای جدید در خصوص زنان کارگر سخن به میان آورده است. ارتجاع می کوشد زیر عنوان فریبنده ای همچون کاهش ساعت کار زنان، به ویژه زنان کارگر، تبعیض جنسیتی در محیط های کاری را نهادینه سازد!

دراواسط اسفند ماه سال ۸۸، رییس شورای فرهنگی- اجتماعی زنان جمهوری اسلامی، طی گفت و گویی با خبرگزاری فارس، یادآور گردید: "بسیاری از تفاوت های خاص زنان با مردان در قانون کار نادیده گرفته شده است، لذا بررسی وضعیت حقوقی زنان در قانون کار به همراه ارایه پیشنهادات شورای فرهنگی-

ادامه در صفحه ۲

بحران، همه شواهد نشانگر آن است که بحران کنونی نه یک بحران مقطعی، به دلیل عدم کارایی مکانیزم های سرمایه داری یا قصور در به کارگیری آن ها، بلکه دقیقاً نمایش شکست اصلی ترین پایه های بنیادین نظام سرمایه داری، همچون حاکمیت "بازار آزاد"، قابلیت سرمایه داری در تنظیم روابط حاکم بر آن و در عین حال شکست سیاست های نولیبرالی بی است که در سال های اخیر

جهان برضد استثمار سرمایه داری، بر ضد جنگ، بر ضد استبداد، بر ضد نابرابری جنسی، و در راه تحقق برابری حقوق و رهایی کار از زنجیرهای سرمایه را به شما و همه نیروهای مترقی جهان تبریک می گوید. سالی که گذشت سال ادامه بحران عمیق سرمایه داری جهان و تشدید فشارها بر سر زحمتکشان در سراسر جهان بود. سه سال پس از آغاز روند بحران شدید سیستم مالی، پولی و اقتصادی جهان سرمایه داری، و بر رغم همه ادعاهای نظریه پردازان مدافع این نظام ضد انسانی، در باره آغاز روند غلبه بر

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

ادامه زنان کارگر، اصلاح قانون کار ...

اجتماعی زنان درخصوص بازنگری قانون کار و اصلاح آن در دستور کار قرار دارد. پس از این مسئله، اعلام گردید که نهاد ویژه ای برای حمایت از زنان کارگر خود سرپرست تشکیل می شود. هدف این نهاد، حمایت از زنان کارگری است که یا تنها زندگی می کنند و یا اینکه نان آور و سرپرست خانواده اند.

موضوع زنان کارگر و منافع و خواست های آنان واقعیتی است که دولت ارتجاع قادر به کتمان آن نیست، به ویژه آنکه زنان کارگر به عنوان جزء جدایی ناپذیر از جنبش زنان، از حلقه های اتصال این جنبش با مبارزات کارگری و جنبش سندیکایی زحمتکشان به شمار می آیند.

زنان کارگر، برخلاف تبلیغات مسئولان رژیم به ویژه تبلیغات اخیر رییس دبیرخانه شورای فرهنگی - اجتماعی زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی، که مدعی گردیده: "بطور کلی در اشتغال کشور نابرابری جنسیتی وجود ندارد" متحمل محرومیت های بسیار و نیز تبعیض اند. در اواخر آذر ماه ۱۳۸۸، خبرگزاری ایسنا با انتشار آمار رسمی مرکز آمار ایران و برآوردهای سازمان تامین اجتماعی، گزارش داد: "زنان کارگر در اغلب موارد با نصف دستمزد مردان استخدام می شوند. تا زمانیکه نابرابری و تبعیض در جامعه درخصوص زنان وجود دارد، نابرابری آنها در کارخانجات و واحدهای تولیدی هم قابل حل نبوده و نیست." جمهوری اسلامی، برخلاف ادعا های پوچ ارگان های رسمی و تبلیغاتی خود، تبعیض و نابرابری هولناکی را به زنان کارگر تحمیل کرده و با سیاست های ضد کارگری و تبعیض آمیز در محیط های کاری مقوله نامه ۱۱۱ سازمان بین المللی کار را نقض می کند.

مطابق این مقوله نامه، هرگونه تبعیض در امور استخدام و اشتغال و هرگونه تفاوت و محرومیت برپایه رنگ، نژاد، جنسیت، مذهب، عقیده سیاسی ممنوع است. برای نمونه کافی است به گزارشی که خبرگزاری ایسنا، ۱۸ مهر ماه ۱۳۸۸، منتشر ساخته، مراجعه کرد. در این گزارش به روشنی اعتراف می شود: "... در سال های اخیر بحث در مورد مشکلات زنان بسیار بوده است ... یکی از مسایل مورد بحث، مساله کارگران زن (است)، انسان های زحمتکشی که اکثر آنها به اجبار شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه و خانواده کار می کنند و به خاطر همین نیاز که جامعه به وجود می آورد، حقوقشان به نسبت کاری که انجام می دهند بسیار کم است. مشکل یکی دو تا نیست ... در اغلب مراکز کارگری از مرخصی زایمان خبری نیست. بعضی کارگران زن پس از زایمان با هزار امید به سرکار باز می گشتند اما دیگر از کار خبری نبود، در کارگاه های کوچک خیلی علنی ازدواج دختران و زنان کارگر قذغن است، یعنی زنان کارگر مجرد را فقط استخدام می کردند و اگر استخدام شده و سپس ازدواج صورت پذیرد، اخراج و بیکاری در انتظار زنان است ..."

زنان کارگر ضمن آنکه خواست های مشترک با مردان کارگر دارند و در زمینه هایی مانند لغو قراردادهای موقت، افزایش دستمزدها مطابق نرخ واقعی تورم، تامین امنیت شغلی و توقف خصوصی سازی، مبارزه و مقابله با ابلاغیه ولی فقیه درخصوص اصل ۴۴، احیا و ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری و جز این ها، همگام و همدوش با دیگر کارگران درصاف پیکار قرار دارند، در همان حال خواست های صنفی ویژه خود را نیز دارند که در زمره برنامه های جنبش سندیکایی قرار داشته و دارد. زنان کارگر به درستی و به حق خواست هایی نظیر: دریافت مزد همسان با مردان در برابر کار مساوی با مردان، دارند. زنان کارگر حق استفاده از شش هفته مرخصی قبل و بعد از زایمان با استفاده از حقوق را دارند. امکان یک سال کار با تسهیلات ضرور پس از زایمان برای زنان؛ به زنان کارگر در طول ساعت کار زمان و فرجه مناسب برای شیردادن به نوزاد خود باید داده شود و این مدت جزو ساعات کار منظور گردد؛ در کنار هر کارگاه و کارخانه باید مهد کودک برای نگهداری از کودکان زنان کارگر ایجاد شود و نیز محل شغلی زنان کارگر در دوران استراحت قبل و بعد از زایمان محفوظ بماند و کارفرما حق اخراج او را نداشته باشد؛ اشتغال زنان در کارهای سخت و زیان آور که طبق معیارهای بین المللی تعیین خواهد شد، باید قذغن شود؛ به کارگران زن اعم از موقت و دائم باید بیمه درمانی تعلق گیرد؛ تبعیض جنسیتی و تفاوت در محیط های کاری به دلیل جنسیت باید لغا شود؛ حجاب اجباری و هر نوع پوشش خطرناک در محیط های کارگری با نظر و درجهت خواست زنان کارگر باید اصلاح و تعیین شود؛ نظارت کارشناسی پزشکی بر بیماری های شغلی ویژه زنان باید تضمین شود؛ سطح آموزش و مهارت فنی زنان کارگر همچون کارگران مرد باید ارتقاء یابد.

این خواست های صنفی در کنار خواست ها و منافع سیاسی زنان کارگر لزوم توجه جدی تر به این بخش از جنبش زنان کشور را ضرور می سازد. در مبارزه با دولت کودتا و برکناری آن، زنان کارگر پیکارگران دو گردان اصلی مبارزات همگانی ضد استبدادی، یعنی جنبش های کارگری و جنبش زنان هستند.

توجه به نیازها و خواست های آنان در تقویت و تحکیم نقش جنبش کارگری در مبارزه کنونی ضد دیکتاتوری از اهمیت اصولی برخوردار بوده و نباید از آن غفلت کرد! زنان کارگر منافی جدای از جنبش زنان ندارند. اینان به عنوان بخشی از طبقه کارگر ایران دارای رسالتی تاریخی در مصاد با استبداد و ارتجاع حاکم هستند، از این روی، افشاندن بذر آگاهی سیاسی - صنفی و طبقاتی در میان آنها از وظایف تاخیر ناپذیر فعالان جنبش کارگری است. زنان کارگر، دوش به دوش مردان، صف و سنگر استوار جنبش کارگری پر توان ایران در رویارویی با استبداد و دولت کودتا به شمار می آیند!

ادامه حقوق سندیکایی ...

نیروهای انتظامی و ارتش، خدمات آتش نشانی، زندان ها، خدمات تغذیه و نظافت آموزشگاه ها و برج کنترل فرودگاه ها.

اعتصاب های بیرون از مجتمع تولیدی برای اعلام همبستگی

منع اعتصاب های همبستگی یا همدردی می تواند مورد سوء استفاده قرار گیرند، و کارگران باید از چنین اقداماتی به شرط آنکه اعتصاب نخستین قانون مندانه باشد بهره گیرند.

تشکل هایی که مسئولیت دفاع از منافع اجتماعی - اقتصادی و صنفی کارگران را به عهده دارند باید بتوانند از حرکت اعتصابی برای اثبات مواضع شان در یافتن راه کارهایی برای تنگناهای ناشی از پیامدهای سیاسی - اجتماعی و اقتصادی بیکه تأثیر مستقیمی بر اعضاء و دیگر کارگران به طور کلی دارند بهره جویند. اتحادیه های کارگری باید بتوانند با دست زدن به اعتصاب، با سیاست های اقتصادی و اجتماعی مورد نظر مخالفت کنند.

ثبت موافقت نامه های دسته جمعی

به ثبت رساندن موافقت نامه های دسته جمعی، اتحادیه های کارگری را از نظر قانونی و حقوقی توان مند می سازد. هر قانونی که اعتبار موافقت نامه را ملزوم به تأیید مقامات دولتی بداند، خلاف اصول موافقت نامه های دسته جمعی و اسناد پیمان نامه ۹۸ سازمان جهانی کار به شمار می رود. دخالت و تأیید قانونی کارشناسان دولتی تنها در مواردی مجاز است که در عملکرد این موافقت نامه ها کاستی و نقصی مشاهده شود یا موقعی که موافقت نامه نتواند با حداقل موازینی که در قانون عمومی کار معین شده اند همسانی کند.

مناطق تولید صادراتی

کمیته آزادی همبستگی سازمان جهانی کار و کمیته کارشناسان در رابطه با درخواست نامه کنگره و توصیه بر اهمیت حق تشکل یابی و آزادی همبستگی برای کارگران مناطق تولید صادراتی مانند دیگر کارگران بدون هیچ گونه تفاوتی، با وجود بحث ها و حساسیت های اقتصادی مطرح در این مناطق، پافشاری کرده است.

حقوق سندیکائی

نکات کلیدی بر اساس تصمیم های کمیته "سازمان جهانی کار" در باره آزادی پیوستن به تشکل های کارگری

جهانی کار در ستیز قرار گیرند، گزینه تحمیل یک هیئت داورى اجبارى برای این گفتگوها به کار گرفته می شود. توسل به گزینه هیئت داورى اجبارى در زمانى که هیچ گونه توافقى در جریان گفتگوهاى دسته جمعى به دست نیامده است، تنها در چارچوب خدمات ضرورى و شرایط مشخص به معنای حقیقى، که در زیر به آن اشاره خواهد شد، روا است.

در رابطه با اقدام به اعتصاب

تحمیل هیئت داورى اجبارى برای جلوگیری از اعتصاب برخلاف حقوق اتحادیه های کارگری برای انتخاب آزادانه فعالیت های خود است، و تنها در برخی از خدمات دولتی و یا خدمات ویژه ضروری به معنای حقیقی، مجاز شمرده می شود. هیئت داورى اجبارى برای پایان اختلاف در گفتگوهاى دسته جمعى یا اعتصاب، زمانى که هر دو طرف خواهان آن باشند یا هنگامى که اعتصاب محدود یا منع شده باشد و یا در چارچوب خدمات ضرورى به معنای واقعی کلمه، قابل قبول است.

حق اعتصاب

قانون کار می تواند شرایط یک اعتصاب قانون مند را تصریح کند. این شرایط باید معقول باشند و نباید محدودیت های عمده ای برای انتخاب آزادانه اقداماتی که در دسترس اتحادیه کارگری هستند به وجود آورند. شرایط و مراحل قانونی برای اعلام اعتصاب نباید طولانی، محدود و پیچیده باشد که حرکت اعتصاب قانونی را در عمل ناممکن سازد.

تصمیم به اعتصاب باید از سوی درصده مشخصی از کارگران و با رای مخفی مورد تأیید قرار گیرد. تصمیم به اعتصاب از پیش باید به اطلاع کارفرما برسد. تعیین یک مهلت قانونی برای باز اندیشی، به شرطی که به منظور فراهم کردن زمان برای طرفین تا جداگانه پیرامون پیشنهادات بیندیشند و امکان بازگشت به میز گفتگوها بدون توسل به اعتصاب را بررسی کنند، نیز مجاز است.

محدودیت های حق اعتصاب

حق اعتصاب ممکن است تنها برای آن کارکنان دولتی که در مسئولیت های دولتی یا خدمات ضروری ویژه به معنای واقعی کلمه انجام وظیفه می کنند محدود یا منع شده باشد. منع عمومی اعتصاب تنها در شرایط بحران ملی و برای مدتی محدود توجیه پذیر است. این منع باید در پیوند مستقیم به مدت، مقیاس و گستره ای اقلیمی بحران بستگی دارد.

اعتصاب های سیاسی و اعتصاب هایی که مدت ها پیش از انجام گفتگوهاى دوجانبه تصمیم به اجرای شان گرفته شده است شامل اصول آزادی همبستگی نمی گردند. در هر حال اتحادیه ها باید از حق دست زدن به اعتصاب برای مخالفت با سیاست های اقتصادی و اجتماعی دولت برخوردار باشند. منع اعتصاب هایی که در رابطه با اختلاف نظر در مورد به رسمیت شناختن اتحادیه کارگری انجام می گیرند، در تطابق با اصول آزادی همبستگی نیست.

خدمات ضروری کدام هستند؟

خدمات ضروری به معنای واقعی خدماتی هستند که توقف شان زندگی، امنیت فردی و یا بهداشت همه یا بخشی از جمعیت را به خطر بیندازند. این گزاره مطلق نبوده و باید شرایط ملی به طور جدی مورد ارزیابی قرار گیرند. این امکان نیز وجود دارد که به سبب به دراز کشیده شدن اعتصابی بیش از مدت تعیین شده یا فرا رویی از یک گستره ای معین که منجر به خطر افتادن وضعیت زندگی، امنیت فردی یا بهداشت همه یا بخشی از جمعیت شود، یک واحد تولیدی غیر ضرور به یک واحد تولیدی ضرور تبدیل گردد.

خدماتی که می توانند ضروری محسوب شوند از این قرارند: بیمارستان ها، خدمات برق رسانی، خدمات آبرسانی، خدمات مخابراتی و تلفن،

مقررات الزامی برای ثبت اتحادیه های کارگری

هر قانون کاری باید شرایط لازم برای به ثبت رسانیدن اتحادیه های کارگری را به روشنی تعریف کند و معیارهای مشخص قانونی موجود برای فراهم آمدن چنین شرایطی را تعیین کند. بهره وری از حق ثبت یک اتحادیه کارگری برای تأسیس یا راه اندازی آن نباید به داشتن اجازه از کارگزاران دولتی نیاز داشته باشد و طبق قانون، این کارگزاران نباید از قدرت تصمیم گیری در مورد این که سازمانی دارای همه شرایط لازم برای ثبت است یا نه، برخوردار باشند.

برای اینکه یک اتحادیه کارگری خود را به ثبت برساند، نباید نیازی به گرفتن رضایت از اتحادیه کارگری مرکزی داشته باشد. مراحل قانونی ثبت نباید طولانی باشند. کمیته آزادی تشکل « سازمان جهانی کار » مدت یک ماه را برای چنین مرحله ای معقول دانسته است.

ملاک های به رسمیت شناختن اتحادیه کارگری

برای پیش برد گفتگوهای دسته جمعی، پذیرش نمایندگان کارفرمایان و کارگران از سوی هر دو طرف واجب است. ایجاد سامانه ای که در آن گفتگوهای دسته جمعی با حقوق ویژه برای اتحادیه ای که گروه بزرگ تری از کارگران را نمایندگی می کند، و نیز داشتن حق نمایندگی از سوی چندین اتحادیه ای در یک مجتمع تولیدی برای دستیابی به یک موافقت دسته جمعی، با اصول آزادی همبستگی سازگار است. داشتن امتیاز حقوق ویژه برای تشکل هایی با بیشترین عضو، به معنای منع فعالیت های اتحادیه های دیگر نیست.

می توان قانونی را که مبنای درصد نمایندگان تشکل ها را تعیین می کند مورد تصویب قرار داد، و امتیازاتی را برای تشکلی که بیشترین نمایندگی را دارد (به ویژه به منظور گفتگوهای دسته جمعی) در نظر گرفت. برای جلوگیری از هرگونه کژی و تبعیض، چنین معیارهایی باید واقعی، دقیق و آزموده باشند.

کارفرمایان باید تشکل هایی را که نمایندگی کارگران مجتمع برای گفتگوهای دسته جمعی را به عهده دارند به رسمیت بشناسند. با اینهمه جایی که قانون بین اتحادیه های بزرگ تر و دیگر اتحادیه ها تمایز قائل می شود، نباید اثر باز دارنده در فعالیت اتحادیه های کوچک تر و حق نمایندگی اعضاء و پیگیری شکایت های فردی اعضاء داشته باشد.

در کشورهایی که حق داشتن نمایندگی بیشتر برای اتحادیه های بزرگ تر قانون مند شده است، باید با تضمین های قانونی همراه باشند: ۱. تصدیق رسمیت آن باید از سوی یک ارگان مستقل انجام گرفته باشد؛ ۲. هیئت نمایندگی باید از سوی اکثریت کارکنان هر واحد انتخاب شده باشد؛ ۳. حق درخواست برای برگزاری انتخابات جدید و تعیین زمانی مشخص که امکان مشارکت بیشترین تعداد اعضاء تضمین گردد؛ ۴. حق درخواست انتخابات جدید از سوی تشکل های درونی به غیر از تشکل هیئت نمایندگی اتحادیه پس از سپری شدن دوره تعیین شده (زمان عادی ۱۲ ماه است).

هیئت داورى اجبارى

هنگامی که گفتگوهای بین دو طرف بر طبق اصول مذاکرات برای موافقت به یک طرح مشترک به نتیجه نرسند، و با اصول گفتگوهای داوطلبانه مندرج در ماده ۴ پیمان نامه ۱۹۹۸ سازمان

درمقابله با جنبش همگانی ضد استبدادی و نقش تعیین کننده و کارساز جنبش کارگری است. هدف اصلی کودتاچیان از اجرای چنین سیاست هایی، مقابله با حضور رو به گسترش زحمتکشان درپیکار همگانی با دولت کودتا و استبداد ولایی است.

جنبش سندیکایی زحمتکشان، دراول ماه مه، ضمن یاد کرد آمیخته با سپاس از مبارزان دربند جنبش کارگری، با محکوم ساختن احکام اخراج از کار آنان، مبارزه برای آزادی فوری و بی قید و شرط و بازگشت به کار آنان را درسروحه فعالیت های خود قرار می دهد!

اخراج فعالان کارگری و مبارزان سندیکایی از کار، غیر قانونی و محکوم است!

مخالفت کارگران پولاد مبارکه با قراردادهای موقت

یکی از پیامدهای ناگوار سیاست تعدیل اقتصادی و برنامه خصوصی سازی صنایع، رسمیت یافتن قراردادهای موقت است که اکنون به مشکل بزرگ طبقه کارگر از جمله کارگران شاغل در صنایع مادر و کلیدی بدل شده است.

صنایع پولاد سازی و فلزات از این قاعده مستثنی نیستند. چندی پیش خبرگزاری ایسنا در گزارشی به این موضوع پرداخت و از جمله نوشت که هزاران کارگر مجتمع عظیم پولاد مبارکه اصفهان با اعتراض به فرم قراردادهای جدید کار که توسط وزارت کار انتشار یافته، خواستار لغای قراردادهای موقت و استخدام رسمی همه کارگران شاغل در این مجتمع راهبردی بدون هیچ استثنا شدند. درحال حاضر بیش از پنج هزار کارگر با قرارداد موقت دربخش های مختلف پولاد مبارکه اصفهان به کار اشتغال دارند. دامنه این اعتراضات چنان بالا گرفت که وزیر صنایع و معادن دولت ضد کارگری احمدی نژاد در جریان افتتاح طرح توسعه زیر سقف پولاد سازی مبارکه، در هراس از گسترش اعتراضات، "قول" داد که به مسئله قراردادهای موقت رسیدگی کرده و دروهله اول کارگران بخش پیمانکاری پولاد مبارکه را دایمی خواهد کرد.

خبرگزاری مهر نیز در گزارشی با یاد آوری سخنان وزیر صنایع دولت کودتا نوشت: "وزیر صنایع و معادن با اشاره به اینکه برخی نگرانی های مطرح شده از سوی کارگران [بخوان اعتصاب و اعتراض کارگران] در خصوص وضعیت اشتغال قابل تامل است، گفت کارگران بخش پیمانکاری نگران وضعیت خود نباشند، زیرا با برنامه ریزی های صورت گرفته این وضع بهبود خواهد یافت. ما می کوشیم براساس مصوبه هیات مدیره، کارگرانی که پیش از این در بخش پیمانکاری این شرکت (پولاد مبارکه) فعالیت می کردند و دچار مشکلاتی از لحاظ قرارداد بودند، این مسایل اصلاح شود."

خبرگزاری مهر در ادامه افزوده بود: "حدود پنج هزار نفر در پولاد مبارکه اصفهان مشغول به فعالیت هستند که برای تبدیل وضعیت آنان از موقت به دایم برنامه ریزی شده است. وزیر صنایع تصریح کرد، براساس قانون تجارت، شرکت پولاد مبارکه با اجرای ابلاغیه اصل ۴۴ بخش زیادی از سهام های خود را واگذار کرده است."

مخالفت کارگران پولاد مبارکه با نوع قراردادهای استخدامی، عمق فاجعه ناشی از قراردادهای موقت برای زحمتکشان را آشکار می سازد. به گزارش ایسنا که سال گذشته انتشار یافته بود، رییس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی اعلام کرد: "میزان و آمار کارگران قراردادی کشور روبه افزایش است و این تعداد به سرعت درحال افزایش بوده و نگرانی برانگیز است. درحال حاضر تعدادی از کارگران استخدام دایم بازنشسته می شوند و جایگزین آنها به شکل قراردادی و پیمانی مشغول به کار می شوند. علاوه براین، شغل های جدیدی هم که ایجاد می شوند قراردادی هستند. کل کارگران بیمه شده تامین اجتماعی هشت میلیون نفر هستند و از این تعداد بیش از ۵/۳ میلیون کارگر قراردادی و پیمانی اند. بعضی از کارخانجات هم درحال حاضر کارگران خود را قراردادی (قرارداد موقت) می کنند. یکی دیگر از دلایل افزایش کارگران قراردادی، واردات بی رویه کالاها است، اگر مانع ورود کالاهای خارجی به کشور شوند، به این حد و میزان مشکل نخواهیم داشت."

لغای قراردادهای موقت و برچیدن فرم قراردادهای جدید کار از زمره اولویت های مبارزاتی جنبش کارگری میهن ما به شمار می آیند!

اهمیت تشکیل سندیکای کارمندان

طی سالیان اخیر، همراه با رشد گرانی و افزایش نرخ تورم، سطح زندگی کارمندان کشور سیر نزولی داشته است. روزنامه ها در اواخر سال گذشته، هنگامی که دولت احمدی نژاد از پرداخت به موقع عیدی کارمندان سخن می گفت، به درستی یادآور شده بودند که برای سال ۱۳۸۹، میزان و درصد مشخصی درافزایش حقوق کارمندان در نظر گرفته نشده است.

دراین خصوص معاون منابع انسانی ریاست جمهوری با اشاره به قانون هدفمند سازی یارانه ها گفته بود: "افزایش حقوق کارمندان دولت درلایحه بودجه ۱۳۸۹ رقم مشخصی ندارد و به صورت کلی در نظر گرفته شده است."

عید امسال نیز چون سالیان قبل برای کارمندان همراه با رشد سرسام آور قیمت کالاها و خدمات عمومی بود و عیدی کارمندان دربرابر این موج گرانی نمی توانست پاسخگوی نیازهای سال نو کارمندان و خانواده های آنان باشد. پرداخت دستمزد، عیدی و پاداش پایان سال در اوضاعی صورت گرفت که افزایش نرخ تورم موجب شد تا کارمندان دولت، بخش خصوصی و به طور کلی کارمندان کشوری و لشگری قادر به تامین نیازهای نوروزی نباشند.



حکم اخراج از کار برای فعالان سندیکایی

یکی از ترندهای دولت کودتا برای مقابله با جنبش کارگری میهن ما، اعمال محدودیت های گوناگون غیر قانونی برای مبارزان و فعالان سندیکایی بوده و هست. سال گذشته، دراین زمینه، دولت نامشروع کودتا با حمایت همه جانبه دستگاه قضایی، حملات سازمان یافته و به دقت برنامه ریزی شده ای برضد طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان تدارک دید و گام به گام به مرحله اجرا در آورد. صدور حکم اخراج از کار برای فعالان دربند جنبش کارگری، از زمره اقدامات برنامه ریزی شده ارتجاع به شمار می آید که هدف آن ایجاد جو وحشت در محیط های کارگری است. در مجتمع نیشکر هفت تپه، کارگران زندانی عضو سندیکای کارگری در آذرماه سال قبل به حکم مدیریت این کارخانه ها به عنوان "غیبت غیر موجه" از کار اخراج شدند. وکیل مدافع این کارگران درمصاحبه ای گفته بود: "این حکم اخراج باید ابطال شود. کارگرانی که به دلیل اعتراضات صنفی بازداشت شده اند، نباید از کار به عنوان غیبت غیر موجه اخراج شوند." پس از کارگران عضو سندیکای مجتمع نیشکر هفت تپه، در روز ۱۷ آذر ماه ۱۳۸۸، با رای دیوان عدالت اداری، منصور اسالو، رییس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، که درحال حاضر در زندان به سر می برد، از کار اخراج گردید. اسالو حداقل ۲۶ سال سابقه کار درشرکت واحد تهران دارد، و با این حکم ناعادلانه از حقوق و مزایای قانونی خود محروم شد.

جنبش کارگری- سندیکایی، ضمن حمایت قاطع از کارگران دربند، اخراج آنان به دلیل به اصطلاح "غیبت غیر موجه" را به شدت محکوم کرده و می کند. دراین زمینه، ایلنا درهمان زمان از قول فعالان کارگری نوشته بود: "در مسایل صنفی نباید به کارفرما اجازه داد تا کارگران بازداشت شده را به آسانی از کار اخراج کند. . . . چنانچه کارگری به دلیل مسایل صنفی بازداشت شده، نباید از کار اخراج شود. . . مطابق قانون کار هیچ کارفرمایی حق ندارد تا قبل از مشخص شدن وضع کارگر بازداشت شده نسبت به اخراج وی اقدام کند، زیرا حکم محکومیت مراجع قضایی نمی تواند ملاک برای اخراج کارگر باشد. . . ."

اخراج کارگران فعال و آگاه و مبارزان جنبش سندیکایی، حلقه به هم پیوسته برنامه ارتجاع

ادامه رویدادهای ایران ...

کاهش قدرت خرید مزدگیران با در نظر گرفتن پیامدهای اجرای قانون هدفمند سازی یارانه ها و اعمال فشارهای خارجی مانند احتمال تحریم های جدید، وضعیت به مراتب بدتری را در سال کنونی برای طیف وسیع مزدگیران از جمله کارمندان کوچک و متوسط ادارات دولتی و خصوصی ترسیم می کند. به علاوه، برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی نیز فاقد هر گونه ماده و یا تبصره ای در حمایت از مزدگیران به ویژه میلیون ها کارمند است.

سقوط مرتب و سال به سال سطح زندگی و کاهش قدرت خرید کارمندان موضوع حیاتی دفاع از حقوق و منافع صنفی این قشر پر شمار جامعه را در اولویت قرار می دهد. کارمندان نیز مانند کارگران کشور از قربانیان سیاست های ارتجاع حاکم به شمار می آیند. سازمان دهی تشکل های مستقل صنفی برای دفاع از منافع کارمندان ضروری است. این تشکل های مستقل، یعنی سندیکاهای کارمندان، بخش جدایی ناپذیر جنبش سراسری سندیکایی زحمتکشان محسوب می گردند و وظیفه آنها حمایت از حقوق و منافع کارمندان و مبارزه برای دستمزد مناسب و مطابق نرخ واقعی تورم، لغو قراردادهای موقت و پیمانی کارمندان، حق فعالیت آزادانه سندیکایی، مشارکت در تصمیم گیری های مرتبط با منافع صنفی کارمندان و اجرای طرح مترقی طبقه بندی مشاغل و مسایلی از این قبیل است. تشکل صنفی کارمندان در قالب سندیکاهای کارمندی توان و امکانات مجموعه مزدگیران کشور را در تامین خواست های صنفی و مقابله با استبداد و خودکامگی در مرحله و لحظه کنونی افزایش خواهد داد. تنها از این راه می توان روند دردناک کاهش سطح زندگی کارمندان را متوقف ساخت!

کوتاه و گویا: از زبان کارگران و زحمتکشان

*- این دستمزد به اندازه ای نیست که بتواند معیشت کارگران را تامین کند، ما حتی نمی توانیم خرج روزانه حداقل خود را تامین کنیم، هزینه دکتر و دوا و تحصیل بچه هایم پیشکش مسئولان!

ایلنا- ۲۵ اسفند ۸۸

*- درگردهمایی یازدهم اردیبهشت ۸۶، وقتی او به شرکت ایران خودرو دیزل بازگشت، مدیریت شرکت به بهانه واهی او را تحویل مقام های انتظامی داد و بهانه ایشان هم صحبت های او در روز جهانی کارگر بود. صحبت هایی که از سر دلسوزی و درد و با رعایت موازین نظام انجام شد ... از کارگران قراردادی شرکت بود، مدیریت شرکت ایران خودرو دیزل او را که سابقه ۱۰ سال کار داشت اخراج کرد. به وزارت کار هم مراجعه کرد اما چیزی دستش را نگرفت و بالاخره تسویه حساب او صادر و حکم اخراجش تحویل شد. (کارگر) ۴۵ ساله این روزها به دنبال فروش کلیه اش است زیرا هر جا که مراجعه می کند به دلیل سن او کاری به وی نمی دهند. او می گوید، آیا این عدالت است؟ آیا صحبت صنفی کردن جرم است؟ آیا کسی نیست به فریاد من برسد؟ من دو فرزند دارم و روزگار برآیم سخت شده است.

از گزارش ایلنا درباره فروش کلیه توسط کارگران - ۱۰ بهمن ماه ۸۸

*- اگر خیلی خوش شانس باشیم باید تمام حقوق ماهانه را بابت اجاره یا قسط خانه بپردازیم. کارگرانی مثل ما چاره ای ندارند که حتی درآستانه بازنشستگی برای تامین معاش خود و خانواده هایشان علاوه بر انجام کار اضافی به مشاغل دوم و سوم نیز روی بیاورد. توقعمان را به اجبار پایین آورده ایم. مزد پایین ما را واداشته تا برای پاسخ به نیاز خانواده به جای برنج و گوشت، بلغور و سویا مصرف کنیم و به جای اقامت درنواحی توسعه یافته شهری در مناطق دور افتاده و محروم ساکن شویم. نتیجه این وضع حاشیه نشینی کارگران در مناطق محروم و دور افتاده شهری است که فاقد امکانات رفاهی و فرهنگی هستند ...

*- به سختی زندگی می کنیم، دستمزد ماهانه ما کارگران فروشنده بابت روزانه ۱۲ ساعت کار مبلغی حدود ۲۷۰ هزار تومان است و این در حالی است که وزارت کار و امور اجتماعی این میزان مزد ماهانه را برای روزانه ۸ ساعت کار کارگر تعیین کرده است. ما کارگران فروشنده از مزایای بیمه اجباری، تعطیلی درایم مرخصی و تعطیل عمومی محروم هستیم. همه ما شغل موقت داریم و هرگز دایمی نیستیم.

*- هیچ قشری مانند ما کارگران از مسکن محروم نیست. سطح دستمزدها و گرانی زمین و مستغلات باعث شده حتی رویای خانه دار شدن نیز به خواب کارگران نیاید! وزارت کار در سال فعلی می گوید بیش از ۳۰۰ هزار کارگر فاقد مسکن هستند. اما باید گفت فقط تعداد کمی از کارگران صاحب مسکن بوده و اجاره نشین نیستند، حتما آمار وزارت کار شامل کارگرانی است که حتی از خانه اجاره ای محروم هستند. خبرگزاری مهر - ۱۱ آبان ۸۸

*- شرکت سایپا مخالف انعقاد قرارداد دایم با کارگران قرارداد موقت و پیمانی است. علت مخالفت با این موضوع نیز مزایایی است که به کارگران قرارداد دایم تعلق می گیرد. حقوق کارگران پیمانکاری حداکثر ۵۰۰ هزار تومان در ماه است، اما حقوق کارگران قرارداد دایم به ۱ میلیون تومان در ماه (با احتساب کار چند شیفته و اضافه کاری و حق ایاب و ذهاب، مسکن و ...) نیز می رسد. ضمن اینکه کارگران پیمانی و موقت از مزایای شغلی هم بی بهره هستند.

ایسنا - ۱۱ مهر ماه ۸۸

*- دولت یارانه بن کارگری را قطع کرد. با مبلغ ۱۰ هزار تومان بن کارگری در ماه نمی توان حتی ۱ کیلو گوشت قرمز خریداری کرد. حال مسئولان توضیح دهند که چرا به کارگران توجه لازم نمی شود. دولت باید مبلغ بن را افزایش و یارانه آن را دوباره برقرار کند.

ایلنا - ۴ بهمن ماه ۸۸

مشکل زنان کارگر یکی دو تا نیست، خانواده، بچه، حقوق کم، خرج زیاد، نداشتن اضافه کاری، برخورد های بد ... اگر بخواهیم بشماریم مشکلات زیاد هست. مهد کودک، خنک کننده و گرم کننده هوا نداریم به همین خاطر در تابستان از گرما و در زمستان از سرما عاجز هستیم. ما پایه پای مردان کار می کنیم. قطعات سنگین جابجا می کنیم، اما از مزد مساوی خبری نیست و تازه قراردادهای ما نیز رسمی و دایم نمی شود!

ایلنا - ۲۰ مهر ماه ۸۸

*- وزیر کار [دولت نهم - جهری] عسلویه را منطقه آزاد تجاری اعلام کرد، تا این منطقه شامل قانون کار نشود، در نتیجه کارگران این منطقه که تابع قانون کار و تامین اجتماعی بودند به یک باره تابع قانون آنچه کارفرما می خواهد، شدند. در مدت ۴ سال تعداد شاغلان پارس جنوبی - عسلویه - از ۶۰ هزار نفر به ۸ هزار نفر کاهش پیدا کرده.

ایلنا - ۹ دی ماه ۸۸

*- کارگران صنایع فلزی ۴ ماه است حقوق نگرفته اند، اگر روزی یکی از ما کارگران شرکت صنایع فلزی به سرویس نرسد به دلیل نداشتن پول کرایه ماشین و بلیط اتوبوس مجبور است آن روز را به خانه برگردد و از مرخصی اجباری استفاده کند. ما ۴ ماه است حقوقی نگرفته ایم و مدیریت می گوید که خوش شانس هستیم زیرا در برخی کارخانجات کارگران یک سال تا شش ماه حقوق نگرفته اند!

ایسنا - ۱۹ شهریور ۸۸

*- ما قسطی حقوق می گیریم، وقتی به دلیل بدهی شرکت تولید لوازم خانگی آزمایش، حقوق و اضافه کاری ۴۰۰ هزار تومانی را در اقساط ۱۰۰ هزار تومانی از کارفرما دریافت می کنیم، چطور نباید به میزان حداقل دستمزد فکر نکرد. ما کارگران قدیمی و جدید کارخانجات آزمایش فقط برای حفظ سابقه بیمه ای خود هر روز در کارخانه حاضر می شویم و در ساعات خارج از کار از طریق مسافر کشی، دست فروشی، آموزش و ... درآمد خانواده خود را تامین می کنیم.

ایلنا - ۱۷ فروردین ۸۹

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب ...

از سوی کشورهای پیشرفته سرمایه داری اعمال شده است. ادامه بحران شدید در کشورهای پیشرفته از جمله ایالات متحده آمریکا و اروپا که به کاهش شدید بودجه در عرصه های خدمات اجتماعی بی، همچون بهداشت، آموزش و سیستم تأمین اجتماعی منجر شده است و نیز به دخالت مستقیم اتحادیه اروپا برای "نجات" یونان از ورشکستگی کامل اقتصادی منجر شده است، نشانه های نیرومند ادامه بحرانی است که سرپای نظام سرمایه داری را فرا گرفته و جنبش گسترش یابنده بی از طبقه کارگر و زحمتکشان را به عرصه مبارزه بر ضد این نظام کشانده است.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

برگزاری روز جهانی کارگر در میهن ما یاد آور بیش از یک سده تلاش و مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر و زحمتکشان برای رهایی از بی حقوقی کامل و حاکمیت رژیم های استبدادی و کارگر ستیز است. از تشکیل نخستین اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری در میهن ما، حدود یک صد سال می گذرد. مبارزه کنونی زحمتکشان و تشکل های مستقل صنفی آنان ریشه در تاریخی دارد که، دوران انقلاب مشروطه و شکل گیری نخستین اتحادیه های کارگری، پیکار درخشان سندیکاهای کارگری در سال های قبل و بعد از ۱۳۰۰، نبرد دشوار در سال های خفقان رضا خانی، سپس دوران رشد و شکوفایی جنبش پس از سقوط رضا خان تا پایان ملی شدن صنعت نفت و سال های حاکمیت رژیم پلیسی محمد رضا پهلوی و سال های اول انقلاب، را در بر می گیرد. راز تداوم بی وقفه جنبش سندیکایی علاوه بر وجود پایه های عینی و ذهنی آن تکیه بر چنین سنن و تاریخ پر بار مبارزاتی آن است. در تمام این مراحل تا به امروز با همه معضلات و گرفتاری های متعدد، طبقه کارگر و جنبش سندیکایی آن در مسیر اصولی گام برداشته، در چارچوب منافع جنبش عام ملی و دمکراتیک پیکار کرده و عضو وفادار و ثابت قدم جنبش جهانی سندیکایی زحمتکشان بوده و هست. در حال حاضر نیز تلاش و فعالیت و مبارزه جنبش سندیکایی کارگران ایران جدا از مبارزات کارگران جهان نیست و نبوده است.

امسال طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما در شرایطی به استقبال برگزاری روز اول ماه مه می روند که سران رژیم استبدادی ولایت فقیه و دولت کودتا حتی از صدور اجازه برگزاری مراسم سالانه روز جهانی کارگر، که توسط "خانه کارگر" برگزار می شد، خودداری کرده اند. رژیم هراسناک از تکرار حضور میلیونی توده ها بر ضد ادامه حاکمیت استبداد مطلق ولایی مصمم است که از هرگونه تجمع توده بی جلوگیری کند. ادامه زندانی بودن و فشارهای شدید امنیتی بر ضد فعالان کارگری، سرکوب خشن هرگونه تلاشی برای ایجاد تشکل های مستقل به منظور دستیابی به حقوق صنفی کارگران و زحمتکشان، نشانگر نگرانی های عمیق سران استبداد از توان جنبش کارگری میهن ما و نقشی است که این جنبش می تواند در تحولات آینده ایفا کند.

طبقه کارگر ایران از سیاست ها و برنامه دولت کودتا از جمله و خصوصاً قانون هدفمند سازی یارانه ها که حتی دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی هم در خصوص آن در آستانه روز جهانی کارگر گفته است: "بحران های تولید با اجرای هدفمند کردن یارانه ها تشدید می شود"، طرح تحول، اقتصادی ابلاغیه اصل ۴۴، خصوصی سازی و واگذاری شرکت ها و واحدهای تولیدی-خدماتی به ارگان های نظامی-امنیتی بویژه سپاه پاسداران بیشترین آسیب ها را می بیند. به علاوه کارگران و زحمتکشان به لحاظ عینی مدافع

تقویت بنیه تولیدی و رشد و گسترش صنایع تولیدی و ملی بوده و در تقابل جدی با اقتصاد انگلی و غیر مولد که دولت کودتا مشوق آن است، قرار دارند. بخش مهمی از معضلات کنونی که زحمتکشان با آن روبرو هستند، ناشی از اجرای سیاست هایی است که فعالیت های غیر مولد و سودآور را رواج و تولید و فعالیت های مولد را تضعیف و نابود ساخته است. واردات افسار گسیخته و رشد اقتصاد دلالی رابطه مستقیم با تضعیف موقعیت و جایگاه طبقه کارگر و جنبش سندیکایی دارد. کارگران به خوبی از نتایج سیاست های دولت احمدی نژاد که باعث رواج اقتصاد غیر مولد شده آگاهند. ثمره این سیاست ها اخراج های وسیع، رکود کارخانه ها، دستمزدهای عقب افتاده، قراردادهای موقت و نابودی امنیت شغلی، و تشدید فزاینده صف بیکاران در میهن ماست. کارگران و زحمتکشان در مرحله کنونی مبارزه در تقابل مستقیم با آن لایه ها و قشرها و طبقات اجتماعی قرار دارند که مدافع وضع موجود و اقتصاد غیر مولد اند. نماینده سیاسی این لایه های انگلی طبقه سرمایه دار ایران دولت احمدی نژاد و حامیان او بویژه ولی فقیه محسوب می شوند و لبه تیز پیکار زحمتکشان به سوی آنهاست! بر خلاف همه مدعیات ولی فقیه و دولت برگمارده اش کارنامه دولت کودتا در پنج سال گذشته کارنامه بی سیاه و ضد کارگری است که به تشدید ژرفا و گستره دره فقر و ثروت منجر شده است و میلیون ها ایرانی، که بخش بزرگی از آن را خانواده های کارگران و زحمتکشان میهن ما تشکیل می دهند، به زیر خط فقر رانده است. تجربیات تاریخی مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان نشانگر این واقعیت است که پیوند نیرومند و ارگانیک میان مبارزه برای تحقق خواست و حقوق صنفی و همچنین مبارزات عمومی خلق بر ضد رژیم های استبدادی و مردم ستیز وجود دارد. تجربه انقلاب بهمن ۵۷، و شرکت نیرومند و سرنوشت ساز کارگران در انقلاب که سرانجام به فروپاشی استبداد سلطنتی و پیروزی انقلاب منجر شد، در عین حال در همان سال های نخست پس از پیروزی انقلاب به بهبود وضعیت کارگران، ایجاد تشکل های کارگری، بهبود وضعیت تأمین اجتماعی و بالا رفتن دستمزد های کارگران و زحمتکشان منجر شد. قانون کار کنونی، که دولت احمدی نژاد و سران ارتجاع به دنبال تغییر آن هستند، با وجود همه کاستی ها و ضعف های آن نتیجه مبارزات درخشان طبقه کارگر و نیروهای سیاسی مترقی، خصوصاً حزب توده ایران در سال های پس از انقلاب بوده است.

در سال پیش رو، کارگران و زحمتکشان برای تأمین منافع صنفی و سیاسی خود با دشواری ها و معضلات بی شماری چون گذشته روبرو هستند، اما آنچه ویژگی سال کنونی محسوب شده و می باید بعنوان وظیفه اصلی و مبرم در دستور کار کارگران پیشرو و فعالان جنبش سندیکایی قرار بگیرد، ارتقاء کیفی نقش طبقه کارگر و زحمتکشان در مبارزات عمومی خلق بر ضد استبداد و تلفیق مبارزه صنفی و سیاسی و مقابله با عامل بنیادین تیره روزی زحمتکشان در لحظه فعلی یعنی دولت برآمده از کودتاست. به طریق اولی تحکیم پیوند جنبش کارگری-سندیکایی با جنبش سراسری ضد استبدادی آن وظیفه و مسئولیت بزرگ تاریخی است که در این برهه زمانی بردوش جنبش کارگری و مبارزان راه تأمین حقوق و منافع طبقه کارگر قرار دارد. یکی از ضعف هایی که جنبش عمومی توده ها در نبرد سال گذشته بر ضد کودتای انتخاباتی رژیم ولی فقیه از آن رنج برده است، نقش کم رنگ جنبش کارگری و زحمتکشان در تظاهرات و مبارزات مردم بر ضد نتایج انتخابات بوده است. رژیم و عوامل و انصار تبلیغاتی اش تلاش زیادی کرده اند که این جنبش عظیم توده ای را جنبشی مربوط به قشرهای مرفه و بی ارتباط با خواست های کارگران و زحمتکشان وانمود کنند و اجازه ندهند تا پیوند نیرومندی میان نیروهای اجتماعی بر ضد رژیم استبدادی ایجاد گردد. از همین رو بود که حزب ما در آن دوران حساس تظاهرات های روزانه بر ضد سرکوب گری های وحشیانه مزدوران امنیتی رژیم با انتشار فراخوانی به طبقه کارگر و زحمتکشان، ضمن تأکید بر ضرورت تلاش در راه تقویت پیوندهای جنبش با طبقه کارگر و زحمتکشان، از جمله یادآور شد: "کارگران و زحمتکشان رزمنده! با دقت و هوشیاری حوادث عرصه پهناور نبرد آزادی با استبداد ولایی را در افق دید مانورها و اقدامات احتمالی خود داشته باشید. ساعت موعود، در صورتی که رژیم ولایت زور و استبداد، سرکوب خونین خود را ادامه دهد، فرا می رسد.

در استقبال از اول ماه مه

کارگران در جبهه متحد ضد استبدادی می‌روزمند

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی ...

برای فردایی که ضرورت به کار بردن سلاح برنده و قاطع طبقه توانای شما، فرمان تاریخی خودش را صادر خواهد کرد آماده باشید. رژیم باید بداند که، اگر سی سال پیش شما توان از کار انداختن یکی از بزرگترین ماشین های جنگی و سرکوب نظامی، دنیا را داشتید، اینک پس از همه این سال ها به مراتب ابدیده تر، توانمند تر و آگاه تر شده اید. رژیم باید بداند، در این نبرد نابرابر بین توده های مردم در عرصه، با استبداد ولایی، طبقه توانای شما، مردم را تنها نخواهد گذاشت و از سلاح برنده خود استفاده خواهد کرد." (به نقل از "نامه مردم"، ۱۹، ۱، تیرماه ۱۳۸۸)

کارگران و زحمتکشان مبارز!

امسال دولت احمدی نژاد پس از توافق مجلس و دولت، در هفته های اخیر، و با حمایت بی دریغ ولی فقیه به دنبال اجرای سریع قانون هدفمند سازی پارانها و به موازات آن خصوصی سازی بر پایه ابلاغیه اصل ۴۴ است. این سیاست ها به معنای فقر، بیکاری و پایمال شدن امنیت شغلی میلیون ها کارگر و مزدبگیر کشور است. فقط با مبارزه ای هوشیارانه متحد و در پیوند با جنبش اعتراضی توده ها که سال گذشته فصل درخشانی را در مبارزه رهایی بخش میهن ما گشود، می توان مانع از اجرای اهداف مرتجعان حاکم شد. به زیر کشیدن دولت کودتا و طرد استبداد ولایی اولویت مبارزاتی جنبش کارگری محسوب می شود و باید از هر راه ممکن برای عملی ساختن آن سود جست.

حزب توده ایران، در تمامی طول تاریخ شصت و هشت ساله مبارزه خود، همواره نبرد در راه تحقق آرمان های طبقه کارگر و زحمتکشان را از مهمترین وظایف خود دانسته، و امروز نیز متعهد به این تاریخ پرافتخار که از درون آن چهره های درخشان جنبش کارگری کشور مانند علی امید ها، شناسایی ها و حسین پور تبریزی ها زاده شده اند، به این پیکار مقدس در کنار کارگران و زحمتکشان میهن ادامه می دهد. در آستانه فرا رسیدن روز کارگر، جشن بین المللی کارگری، در روز اول ماه مه، بیائید هم صدا با جنبش سندیکائی جهانی خواهان آزادی های سندیکائی و حق تشکل در اتحادیه های کارگری مستقل برای همه، خاتمه فوری کشتار و پیگرد فعالان سندیکائی، آزادی فوری همه زندانیان سیاسی بشویم. بیائید در جشن روز کارگر امسال پرچم آزادی فوری همه رهبران و فعالان سندیکائی کشور را بر شانه ها حمل کنیم. کارگران و زحمتکشان ایران بیائید دست در دست هم جبهه وسیع ضد دیکتاتوری را در مقابل صف واحد ارتجاع، استبداد و واپس گرایی بر پا داریم و راه را برای تحقق عدالت اجتماعی، آزادی و استقلال بگشائیم. تاریخ نزدیک به یک قرن مبارزه قهرمانانه طبقه کارگر میهن نویدبخش پیروزی خلق بر ضد ارتجاع و استبداد است.

فرخنده باد روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر!
پیش به سوی ارتقاء کیفی نقش طبقه کارگر و زحمتکشان
در مبارزات عمومی خلق!
درود بر خاطره تابناک جان باختگان جنبش کارگری ایران!
پیروز باد مبارزه خلق در راه طرد رژیم ولایت فقیه برای
آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی،

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۶ اردیبهشت ماه ۱۳۸۹

سایت کلمه، وابسته به هواداران میرحسین موسوی، اخیراً اطلاع داد که وضعیت کارخانه های دولتی و حتی بخش خصوصی در یکی از قطب های صنعتی کشور یعنی شهرستان اراک بسیار بحرانی است. به گزارش این سایت، در آستانه روز جهانی کارگر این کارخانه ها تعداد زیادی از کارگران خود را اخراج کرده اند. شرکت های آذر آب، واگن سازی و پالایشگاه اراک از جمله شرکت های دولتی بحران زده اند. در ادامه همین گزارش، یکی از کارگران ایران ترمه و تهران پتو در باره وضعیت این کارخانه ها می گویند که، این کارخانه سابق بر این با سه هزار کارگر به طور مستقیم مشغول به کار بوده است و برای بیست هزار نفر هم به طور غیر مستقیم از طریق همین کارخانه اشتغال ایجاد کرده بودند اما اکنون فقط ۲۰۰ نفر کارگر در کارخانه مشغول به کار است که ۲۶ ماه است حقوق نگرفته اند. هم گزارش سایت کلمه و هم اظهارات این کارگر کارخانه، آینه تمام نمای وضعیت مراکز تولیدی و همچنین وضعیت اشتغال در کشور و وضعیت اسفناک پرداخت حقوق ماهانه کارگران در کشور است. با یک نگاه ساده می توان وضعیت مراکز تولیدی، اشتغال و موضوع مربوط به دستمزد کارگران را در دولت محمود احمدی نژاد دریافت. اگر چه بحران های مربوط به اشتغال و دستمزد به حقوق کارگران و زحمتکشان در سی سال عمر رژیم ولایت فقیه بی وقفه ادامه داشته است، اما اوضاع و احوالی که از شروع کار این دولت ارتجاعی و ضد کارگری بر کشور مستولی گردیده است، وضعیت تأسف بار و غم انگیزی را هم در بخش صنایع ملی کشور و هم در زندگی طبقه کارگر ایران به وجود آورده است. چند هفته پیش، بخشی از کارگران کارخانه ذوب آهن اصفهان به مدت یک روز و به عنوان اعتراض به وضعیت دستمزد خود دست از کار کشیدند. همه این کارگران به دادگاه فراخوانده شدند. شایان ذکر است که کارخانه ذوب آهن اصفهان در تمام طول هشت سال جنگ ایران-عراق از مراکز تولیدی موفق بوده است ولی اکنون در بحران دست و پا می زند. اعتصاب مربوط به ماهر ترین بخش کارگران این کارخانه بود. وضعیت اشتغال در صنعت نفت کشور با درآمدهای افسانه ای چهار سال گذشته بسیار نگران کننده است. اخراج گسترده کارگران در بخش های مربوط به اکتشاف و میدان های نفتی و گازی بی چون عسلویه و پارس جنوبی به ابعاد بی سابقه ای رسیده است. از کارخانه ها و صنعت پارچه بافی، قدیمی ترین و موفق ترین صنعت کشور در گذشته، دیگر چیزی باقی نمانده است. بزرگ ترین این کارخانه ها در گیلان و مازندران که در تولید نخ، پارچه و لباس فعالیت داشتند به ورشکستگی کامل رسیده اند. ورشکستگی در کارخانه های مربوط به چوب و کاغذ و اخراج گسترده کارگران، بحران و ورشکستگی در صنعت غذایی و کشاورزی، جای کاری، پرورش طیور و دام، صنعت برنج و کارخانه های شالی کوبی، و بحران اشتغال در میان کارگران بخش روستایی، بیانگر واقعیت موجود در واحد های اقتصادی-تولیدی ایران است.

سیاست ضد ملی دولت احمدی نژاد و انگلی ترین بخش سرمایه داری حامی او را نمی توان فقط در یک بعد، یعنی زندگی فلاکت بار طبقه کارگر ایران و موضوع مربوط به دستمزد و فقر مضاعف این طبقه مورد بررسی قرار داد. سیاست امحاء و تخریب و پراکنده ساختن طبقه کارگر ماهر ایران که طی دهه ها در صنایع سابقه دار کشور همچون صنعت پارچه بافی و صنایع ماشین سازی، نفت و دیگر بخش ها صورت گرفته است، ضربات جبران ناپذیری از نظر کمی و کیفی به طبقه کارگر ایران وارد ساخته است. از آنجا که این طبقه کارگر ماهر سرمایه ملی یک کشور محسوب می شود، امحاء این بخش از کارگران با سابقه و ماهر ضربات جبران ناپذیری به صنعت ملی و تولید ملی کشور وارد می آورد. از جمله صدمات فاجعه بار دیگر دولت کودتایی حاکم در زمینه کار و کارگری، به نیروی کار جوان کشور مربوط می شود. با احتساب اینکه بخش عظیمی از این نیرو می توانست در خدمت تولید ملی و رونق اقتصاد ملی قرار گیرد، به دلیل ابعاد بی سابقه بیکاری در میان جوانان و یا اشتغال اجباری آنان به کارهای کاذب، بدون اینکه مهارتی پیدا کند در حال پیر شدن است. عامل و مسبب این ناسامانی ها در بخش مربوط به کار و کارگری و همچنین بحران فزاینده اقتصادی را در کجا بایستی جستجو کرد؟ بدون تردید آن را باید در ماهیت دولت احمدی نژاد به عنوان نماینده انگلی ترین بخش سرمایه داری در کشور یافت که پس از انقلاب چنگ بر قدرت سیاسی و اقتصادی کشور انداخته اند. کلان سرمایه داری تجاری که متکی بر دلارهای نفتی است فقط یکی از نیروهای ارتجاعی حامی این دولت است. بخش دیگر، طبقه سرمایه

ادامه نگاهی به سیاست های ضد کارگری ...

متأسفانه رقم بدهی دولت به ما آنقدر سنگین است که در صورت عدم چاره جویی، واحدهای تولیدی مجبور به تعطیلی خواهند شد و بیش از نهمصد هزار نیروی کار که مستقیم و غیر مستقیم در این صنعت مشغول به کار هستند، در معرض بیکاری قرار دارند.

به طور حتم و یقین، عدم پرداخت های مذکور از طرف دولت، عمدی و با برنامه ریزی قبلی صورت گرفته است. اخیراً زمره هایی نیز شنیده می شود که دال بر خصوصی سازی صنعت نفت کشور است. باید انتظار داشت که در سال جاری، دیگر مراکز بزرگ و مهم اقتصادی با چنین مضلی که توسط رژیم حاکم در برابر تولید ملی و نیروی کار در حال عملی شدن است، مواجه شویم. همان طور که تجربیات سال های گذشته نشان داده است، ابعاد و اثرات اجتماعی و اقتصادی بی که از این بابت دامنگیر میلیون ها نفر از کارگران و خانواده های آنان می گردد، خسارات های جبران ناپذیری را متوجه طبقه کارگر و خانواده های آنان می کند.

به موازات این تحولات، موج وسیع تعطیلی، بیکاری و حقوق های معوقه در دیگر مراکز تولیدی ادامه یافته است. ایلاً، ۲ اسفند ۸۸، در خبری گزارش داد که کارگران کارخانه روکش چرمی شهر صنعتی البرز در استان قزوین، وابسته به تامین اجتماعی، برای پیگیری پرداخت ۱۰ ماه حقوق معوقه به خانه کارگر این استان مراجعه کردند. بر اساس همین گزارش، در حالی که کارگران با عدم پرداخت حقوق های خویش مواجه هستند، میان مدیران ارشد شرکت سرمایه گذاری اجتماعی بر سر پاداش های چند میلیونی، بحث و جدل است. سیاستی که حقوق کارگران را پرداخت نمی کند اما میلیون ها تومان از دسترنج کارگران را به عنوان پاداش به مدیران بالایی پرداخت می کند، هدف کاملاً مشخص و برنامه ریزی شده ای را دنبال می کند. سایت جرس، ۱۲ اسفند ۸۸، گزارشی را ارائه کرد که در آن تجمع ها و اعتراض های کارگری برای دریافت حقوق های عقب افتاده منعکس شده بود. در این گزارش به اعتراض کارگران شرکت چینی البرز در قزوین، کارگران کارخانه صنایع مخبراتی راه دور ایران در شیراز، کارگران واحد تولیدی- صنعتی متک در اصفهان، کارگران نساجی در مازندران، اشاره شده است. در تمامی موارد فوق، دستمزدهای کارگران بین یک ماه تا یک سال پرداخت نگردیده است. ایجاد چنین وضعی به هر دلیل و نیتی که باشد، باعث می شود که کارگران در موارد بسیاری ادامه کار در واحدهای مزبور را رها کرده و به تامین معاش روزانه از طرق دیگر به طور موقت اقدام کنند.

ما در طول سال گذشته، همچنان شاهد مجادلات بسیار در ارتباط با سطح دستمزدها بودیم. همان طور که انتظار می رفت، دولت حداقل دستمزدها را بسیار پایین تر از نیاز های واقعی و واقعیات موجود تعیین کرد. اما این تعیین حداقل بسیار پایین، تمامی ماجرا نیست. امروز جامعه کارگری به دلیل وجود یک رژیم ضد کارگری و نبود یک ارگان قابل و اصول سندیکیایی که بتواند مطالبات کارگران را سازمان دهی کند، حتی از همین حداقل ها هم عملاً محروم است.

ایلاً، ۲۷ فروردین، از قول نماینده رشت می نویسد: "برخی از پیمانکاران نیروی انسانی، حداقل ۳۰ تا ۴۰ درصد از حقوق کارگران را به خود اختصاص می دهند." وی می افزاید: "در کارگاه ها، کارفرمایان پیمانکار، به کمک قراردادهای سفید امضاء، و تغییر ساعت کار ثبت شده برای هر کارگر، شرایط غیر قانونی را به کارگران خود تحمیل می کنند." در یک خبر دیگر که خبرگزاری فارس، ۲۸ بهمن ۸۸، گزارش کرد، از قول یک فعال کارگری، با اشاره به اینکه اکثر کارگاه های زیر ۱۰ نفر از دادن عیدی و پاداش به کارگران سرباز می زنند، می نویسد: "به طور یقین اکثر کارگاه های زیر ده نفر که نظارت و بازرسی بر آنها حاکم نیست از پرداخت عیدی و پاداش متناسب با مصوبه مجلس و قانون کار سر باز می زنند."

خبرگزاری مهر، ۲۳ اسفند ۸۸، در خبری با اشاره به اینکه شاید در بین گروه های کارگری مظلوم ترین گروه ها را بتوان کارگران روزمزد، فصلی و آن بخشی از نیروی کار دانست که خارج از چارچوب های قانون کار مشغول به کار هستند، از قول حاج اسماعیلی، نماینده سابق کارگران در هیئت حل اختلاف، می نویسد: "اگر سری به محله هایی که کارگران روز مزد، ساختمانی و فصلی در آنجا تجمع می کنند، بزنیم، می بینیم که بسیاری از آنان حتی حداقل دستمزد را هم نمی گیرند. حال روز مزدهایی

حقوق به کارگران به یک روند عادی و معمولی تبدیل شده است. رشد قراردادهای موقت و پیمانی، حقوق و مزایای کارگران را نسبت به گذشته بیشتر و بیشتر تحت دستبرد کارفرمایان قرار می دهد. بی قانونی، فشار شدید به کارگران برای بهره وری بیشتر از آنان در مقابل دستمزدهای بخور و نمیر، به طور عملی در محیط های کارگری اجرا می شود، اما با تمام این احوال، رژیم ولایت فقیه، در راستای ماهیت ضدکارگری خود، در صدد است تا با تغییر قانون کار موجود و حذف هرگونه اصلی در آن که مدافع حقوق کارگران باشد، روش های استثمارگرانه را به صورت "قانون" رسمیت ببخشد. جنبش کارگری، بر رغم تلاش های شجاعانه فعالان آن، هنوز به دلیل برخورد شدید حاکمیت با هرگونه حرکتی که هدف آن ایجاد اتحادیه و تشکل های مستقل کارگری باشد، همچنان مبتلا به ضعفی اساسی است.

رشد بحران تولید و به تبع آن بیکاری کارگران در طول سال گذشته ابعاد وسیع تر و خطرناک تری به خود گرفته است. ما در طول سالیان گذشته شاهد تعطیلی مراکز تولیدی بی بودیم که عمدتاً با نیروی کار چند صد نفری ادامه کار می دادند. اما در سال گذشته خبرهایی منتشر گردید که ابعاد جدید قضیه را روشن می سازد. اجرای سیاست های اقتصادی مورد نظر صندوق بین المللی پول که از مراکز کوچک تولیدی شروع گردیده بود، اکنون وارد فاز جدید خود گردیده و مراکز بزرگ و کلیدی را هدف قرار داده است. مشکلات موجود در این مراکز شباهت های زیادی به همان معضلات واحدهای کوچک دارند: نارسایی هایی که در ادامه منجر به تعطیلی آنها گردید.

یکی از مراکز مهم که ما اخیراً شاهد ناآرامی ها و نگرانی ها در آن بوده ایم، کارخانه ذوب آهن اصفهان است. بحران در کارخانه ذوب آهن اصفهان، یکی از بزرگ ترین مراکز کارگری ایران، که هزاران نفر در آن مشغول به کار هستند و یا به نوعی در ارتباط با آن ارتزاق می کنند، نگرانی های جدی بی را به وجود آورده است. وجود چنین نگرانی هایی بود که باعث گردید تا برای مقابله با خطرات احتمالی پیش رو، که متوجه کارگران خواهد شد و تبعات آن در قالب اخراج ها و تعویق دستمزدها نمود پیدا می کند، گروهی از کارگران آگاه ذوب آهن اقدام به تشکیل "شورای موقت کارگران ذوب آهن" کنند. یکی از اعضای شورای موقت کارگران ذوب آهن در این باره، در مصاحبه با رادیو فردا، ۱۷ بهمن ۸۸، گفت: "عوامل زیادی در سطح محلی، ملی و بین المللی ما را به این نتیجه رساند که ایجاد یک شورای کارگری در ذوب آهن ضرورت دارد. در سطح بین المللی، سال هاست که سیاست های راست اقتصادی تبدیل به جریان غالب شده اند. کشور ما نیز بعد از جنگ هشت ساله، خواسته یا ناخواسته به این سیاست روی می آورد. این سیاست به طور پیوسته دنبال شده است و اکنون شتابی بی سابقه پیدا کرده است." وی با ذکر این نکته که اولین قربانی این سیاست ها، کارگران و طبقات فرودست اجتماع خواهند بود، ادامه داد: "ما می دانیم دیر یا زود، ذوب آهن به بخش خصوصی واگذار خواهد شد چرا که صنعت پیر ذوب آهن برای بخش خصوصی چندان سودآور نبوده و لاجرم، اولین اقدام برای سودآور کردن آن، تعرض به حقوق و مزایا، تعدیل نیرو و افزایش فشار کاری بر کارگران خواهد بود."

ایلاً، ۲۷ بهمن ۸۸، در خبری با عنوان "بحران در کارخانه های ذوب آهن کشور"، از قول نماینده فلاورجان در مجلس، ضمن اشاره به دستمزدهای پایین کارگران و مشکلاتی که کارگران از این بابت با آن دست به گریبان هستند، می گوید: "در حال حاضر آهن بسیاری از چین وارد شده که در بنادر خلیج فارس انبار شده است. این آهن به قیمت هر کیلو ۴۲۰ تومان عرضه می شود که به نظر من دست هایی در کار است تا با واردات بی رویه، صنعت و اشتغال کشور را به نابودی بکشاند."

چنین شیوه های ضد کارگری برای هموار سازی سیاست های خصوصی سازی به نفع قشر انگلی حاکم، قبلاً در مورد دیگر مراکز تولیدی که حجم و وسعت کم تری داشتند، پیاده شد که از نتایج آن آگاه هستیم. همین شیوه دوباره در حال تکرار شدن است تا این توهم به وجود بیاید که کارخانه های مذکور با رکود مواجه هستند.

در همین ارتباط، در سال گذشته نیز شاهد بحران دیگری در صنعت برق کشورمان بودیم که ابعاد آن نیز بسیار نگران کننده گزارش شد. محمد پارسا، رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق کشور، در گفت و گو با ایلاً، ۲۶ بهمن ۸۸، اظهار داشت: "صنعت برق ۵ میلیارد دلار از دولت طلب دارد.

ادامه سیاست های ضد کارگری ...

یکی از کارگران قراردادی که خواسته نامش فاش نشود، می نویسد: "متأسفانه چندی پیش چند نفر از همکاران به قصد بیان مشکلات خود و رساندن آن به گوش مسئولان می خواستیم شکوائیه ای برای یکی از روزنامه ها بنویسیم، اما به دلیل ترس از مشکلات بعدی و احتمال لو رفتن اسامی، از این کار منصرف شدیم و حالا مانده ایم که دردمان را چگونه مطرح کنیم."

همین امر نشان می دهد که عدم وجود تشکل های قوی و واقعی مدافع حقوق کارگران، کنترل اعتراضات کارگری توسط رژیم ولایت فقیه را تا چه حد با مشکلات کمتری همراه کرده است. طبقه کارگر و زحمتکشان ایران امسال در حالی بار دیگر به استقبال روز جهانی کارگر می روند که میهن ما دوران بسیار حساس و سرنوشت سازی را تجربه می کند. ایران در طول سال گذشته شاهد شکوهمندترین تظاهراتی بود که در آن قشرهای مختلف اجتماعی شرکتی گسترده و تعیین کننده داشتند. جنبش کارگری این پتانسیل را دارد که نقش تعیین کننده و کلیدی در راه تحقق شعارهای جنبش مردمی و رسیدن به آرمان های آن ایفا کند. تلاش های تاکتونی در میان صفوف کارگران، گرچه تا حد بسیار زیادی امیدوار کننده بوده است، اما نیازمند پیگیری و برنامه ریزی های اتحاد طلبانه، دقیق و همراه با شکیبایی است. خوشبختانه به دلیل موقعیت سیاسی میهنمان، از سال گذشته تاکنون، ما شاهد مواردی بوده ایم که توجه بیشتر و ضرور نیروهای موثر در جنبش مردمی را در رابطه با کارگران و مشکلات آنها نسبت به گذشته را نشان می دهد. این توجه توسط نیروهای صورت می گیرد که هم اکنون به ضرورت پشتیبانی از این جنبش و پیوند دادن آن با دیگر جنبش های اجتماعی پی برده اند. امید است با گسترش چنین پیوندهایی، زمینه های مثبتی برای تحقق خواسته های تمامی قشرهای جامعه، به خصوص کارگران و زحمتکشان میهن، و تقویت هرچه بیشتر صفوف کارگران در جنبش اعتراضی با شکوه مردم فراهم شود.

ادامه در استقبال از اول ماه مه ...

داری تازه به دوران رسیده ای است که با نفوذ در دولت های گذشته و ایجاد باندهای مافیایی و سوء استفاده از قدرت سیاسی و نظامی، ثروت های افسانه ای به جیب زده است. این همان سرمایه داری بوروکراتیکی است که بخش اصلی آن لباس سپاه پاسداران را بر تن دارد. این دو طیف از سرمایه داری که حامی دولت احمدی نژادند، به انضمام عناصر وابسته به بیت ولایت فقیه، ارتجاعی ترین ساختار سیاسی را در طول سی سال حاکمیت جمهوری اسلامی بر کشور حاکم کرده اند. این نیروها به همین دلیل و بنا به ماهیت خود هیچ علاقه ای به یک اقتصاد تولید گرا و سازمان دهی یک اقتصاد ملی ندارند و نمی توانند داشته باشند. فرماندهان سود جوی سپاه پاسداران که با شعار سازندگی گام در کارهای اقتصادی گذاشته اند، هیچ وقت هیچ گونه رویکردی به بنگاه ها و مؤسسات اقتصادی بحران زده و کمک به نجات آن ها نداشته اند، بلکه بالعکس، سود آورترین بخش های اقتصادی کشور را با توسل به نفوذ مافیایی خود به تملک در آورده اند، و درآمد های هنگفت آن ها را به مصارف شخصی و یا اهداف جاه طلبانه و سرکوبگرانه خود می رسانند.

کارگران و زحمتکشان!

دولت محمود احمدی نژاد، بنا به ماهیت خود، قادر نیست هیچ گونه گشایش مثبتی در زندگی شما ایجاد کند. دولت کودتا، دولت تجار بزرگ و نوسرمایه داران وابسته به سپاه پاسداران و آفازاده های بیت ولی فقیه است. راه برون رفت از بحران سیاسی، اقتصادی - اجتماعی و وضعیت خطرناک کنونی، همدلی و عمل مشترک همه نیروهای سیاسی و میهن دوست، زنان، دانشجویان، روشنفکران و در رأس آن شما، طبقه کارگر قهرمان ایران، در یک جبهه واحد ضد استبدادی برای به عقب راندن این نیروهای ارتجاعی از ساختار سیاسی کشور، و در نهایت، باز کردن راه برای ایجاد تحولات ملی و دمکراتیک و پایدار و عدالت محور است. در جهت گشودن و هموار کردن چنین راهی فعالیت کنیم.

که بخواهند به مرخصی بروند، عیدی، بیمه، سنوات و قرارداد کاری، بماند." وی جمعیت کارگری مزبور را تا حدود دو میلیون نفر تخمین می زند. به گزارش خبرگزاری مهر، ۲۳ اسفند ۸۸، جمعیت کارگری کشور را باید هفت و نیم میلیون نفر برآورد کرد. به اعتراف ابراهیم نظری جلالی، معاون وزیر کار و امور اجتماعی، ۶۰ درصد از کارگران میهنمان، کارگران قرارداد موقت هستند (جام جم، ۳۱ مرداد ۸۷). عضو کمیسیون صنایع مجلس با اعلام اینکه امروز قراردادهای ۳ ماهه تا یک ساله منعقد می شود، گفت: "یکی از کارهای پیمانکاران این است که با کارگران قرارداد یک ماهه منعقد کرده و این را بهانه ای برای بیمه نکردن کارگر قرار می دهند در حالی که چنین نیست و کارفرما حق بیمه را به حساب پیمانکار واریز می کند. این کارگران می توانند با مراجعه به ادارات کار از این پیمان کاران شکایت کنند" (ایلنا، ۱۷ فروردین).

البته طرح موضوع شکایت کردن از پیمانکاران را نباید زیاد جدی گرفت چون بدون شک بسیاری از این پیمانکاران در ارتباط با مقامات حکومتی به چپاول حقوق ناچیز کارگران ادامه می دهند. اما مشخص نیست آمار هفت و نیم میلیون کارگر، شامل کارگران فصلی است یا بدون آنها محاسبه شده است؟ اما در هر صورت، ۶۰ درصد از هفت و نیم میلیون نفری نیروی کار، جمعیتی چهار میلیون و پانصد هزار نفری را بالغ می شود. اگر روند خصوصی سازی مراکز مهم و بزرگ تولیدی و صنعتی، صورت تحقق به خود بگیرد، ما باید انتظار داشته باشیم در آینده ای نه چندان دور، کارگران شاعل در این مراکز با وضعیتی مشابه مواجه گردند. به عبارتی دیگر، هفت و نیم میلیون نفر از زحمتکشان میهن که به اتفاق خانواده هایشان دست کم یک سوم جمعیت کشور را شامل می شود، تحت شرایطی قرار می گیرند که شباهت معنی داری با دوران برده داری خواهد داشت.

اما همان طور که قبلا زمره های آن در سال گذشته اینجا و آنجا به گوش رسید، به اصطلاح اصلاح قانون کار موجود به نظر می رسد که مراحل نهایی خود را طی می کند. ایلنا، ۱۷ فروردین، از قول وزیر کار، خبر داد که در حال حاضر قانون کار برای بررسی و اصلاح نهایی در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار دارد. وی در این ارتباط گفت: "اصلاح و بازنگری بخشی از مواد قانون کار که با شناسایی دقیق ضعف های این قانون پس از بیست سال تجربه اجرایی شدن آن حاصل آمده است زمینه توسعه سرمایه گذاری در کشور خواهد شد." وی در ادامه اظهار داشت که، با تصویب این قانون بخشی از موانع توسعه سرمایه گذاری و اشتغال در کشور بر طرف خواهد شد.

هر چند هنوز جزئیات بیشتری از این قانون جدید، که به طور قطع در کلیت خود ضد کارگران است، منتشر نگردیده اما با توجه به همین سخنان می توان به راحتی حدس زد که "اصلاح" قانون کار در جهت منافع کدام نیروها صورت خواهد گرفت. وزیر کار از موانع توسعه سرمایه گذاری سخن می راند. موانع سرمایه گذاری از دید وزیر کار و همفکرانش همان حق بیمه، حق بازنشستگی، حق اعتصاب، حق مرخصی سالیانه، و موارد مشابه است که باعث می گردد نوکبسه هایی همچون وی نتوانند در مدتی کوتاه به سودهای میلیاردری دست پیدا کنند. قانون جدید کار در حالی از طرف دولت احمدی نژاد به مجلس ارایه شده است که در جریات تدوین آن هیچ گونه اظهار نظری حتی از تشکل های موجود کارگری وابسته به رژیم مطرح و پیش بینی نگردیده است. حسن صادقی، از رهبران شورا های اسلامی کار و خانه کارگر رژیم، در این زمینه اظهار داشت که، بر خلاف اظهارات مسئولان وزارت کار و امور اجتماعی، تاکنون در جریان اصلاح و بازنگری مفاد قانون کار هیچ نماینده کارگری واقعی حضور نداشته است. ماهیت و محتوای لایحه پیشنهادی از سوی دولتی که تحمل حتی یک نماینده از تشکل های کارگری وابسته به خود این رژیم در بررسی آن را ندارد، به راحتی قابل پیش بینی خواهد بود.

به دلیل چنین ماهیتی است که زمینه های شکل گیری اتحادیه های مستقل کارگری با چالشی جدی مواجه گردیده است. هدف از بیکار کردن فعالان سندیکائی "شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه" و ادامه اسارت و برخورد های سبعانه نیروهای امنیتی رژیم با رهبران و فعالان اتحادیه های کارگری شرکت واحد و کارخانه قند "هفت تپه"، ارباب کارگران و فعالان کارگری است. جام جم، ۱۹ اسفند ۸۶، در این باره از قول



جنبش سندیکائی بین المللی: به پیگرد فعالان سندیکائی در ترکیه پایان دهید!

در ماه های اخیر، اعتراض های اتحادیه های کارگری جهان به تشدید سرکوب فعالان کارگری و سندیکائی از طرف دولت اسلام گرای ترکیه، وسیع تر شده است. سازمان دهی یک روز بین المللی اقدام در همبستگی با کارگران ترکیه از این دست است د.

دولت رجب طیب اردوغان به طور هدفمند و برنامه ریزی شده، در حالی که از یک سو سیاست خصوصی سازی کارخانه های بزرگ و صنایع دولتی را جلو می برد، از سوی دیگر مانند همتایان خود در جمهوری اسلامی ایران، سرکوب فعالان کارگری و سندیکالیست ها را در راس دستور کار خود قرار داده است. در آبان ماه گذشته، نمایندگان بلندپایه جنبش سندیکائی از اروپا در جلسات دادگاه رهبران اتحادیه معلمان ترکیه، که صرفاً به دلیل سازمان دهی فعالیت های سندیکائی به محاکمه کشیده شده اند، شرکت کردند.

تصمیم دولت ترکیه به خصوصی سازی شرکت دولتی "تکل" که انحصار تنباکو و محصولات الکلی را در دست دارد، در سال گذشته با مخالفت کارگران این شرکت و سندیکاهای کارگری ترکیه روبه رو شد. خصوصی سازی تکل منجر به بیکاری بیش از ۱۲۰۰۰ کارگر می شود که نه در رابطه با برنامه ریزی برای اشتغال جایگزین برای آنان فکری شده و نه حقوق و مزایای قانونی شان در نظر گرفته شده است. کارگران و نمایندگان سندیکائی آنان، کارزار همه جانبه ای را که بخشی از آن بسیج جلب حمایت جنبش سندیکائی جهانی از خواست آنان است، سازمان داده اند. نخست وزیر ترکیه اعلام کرده است که، فعالیت های اعتراضی کارگران را تحمل نخواهد کرد. در ماه های اخیر چندین هیئت نمایندگی عالی رتبه از طرف جنبش سندیکائی جهانی با مقامات دولت ترکیه ملاقات و به آن ها در رابطه با خود داری از به کاربردن خشونت و در عوض آن تلاش برای پیدا کردن راه حلی از طریق مذاکره و گفتگو با نمایندگان سندیکائی در رابطه با کارگران تکل هشدار داده اند. گای رایدار، دبیرکل کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، اخیراً در این رابطه اظهار کرد: "دولت ترکیه در سال ۱۹۹۳ کنوانسیون ۸۷ سازمان جهانی کار در رابطه با آزادی پیوستن به تشکل های کارگری را امضاء کرده است، ولیکن آنچه امروز در ترکیه اتفاق می افتد در تضاد آشکار با مفاد این موافقتنامه بین المللی است."

در مورد عملکرد دولت ترکیه در رابطه با کارگران و اتحادیه های کارگری این کشور، و در راستای تصمیم اجلاس سال گذشته سازمان جهانی کار در این باره، اخیراً هیئت بلند پایه ای از سوی سازمان جهانی کار از ترکیه بازدید کرد. گزارش رسمی این بازدید در زیر آورده می شود:

گزارش بازدید هیئت بلند پایه سازمان جهانی کار

یک هیئت دو جانبه بلند پایه سازمان جهانی کار، متشکل از سخنگویان کارفرمایان و کارگران از کمیته کنفرانس بین المللی کار در مورد اجرای استانداردها، آقایان: اد پاتر و لوک کورت بیگ، به همراه خانم کلئوپاتری دومیا-هنری، رئیس بخش استانداردهای سازمان بین المللی کار در ژنو، خانم اوکسانا ولفسون، مسئول حقوقی همان بخش، و خانم گولای اسلان تیپ، رئیس دفتر سازمان بین المللی کار در آنکارا، در روزهای ۳ تا ۵ مارس ۲۰۱۰ از ترکیه بازدید کردند. این ماموریت به دنبال تصمیمات کمیته کنفرانس در ماه ژوئن ۲۰۰۹ به اجرا در آمد. در آن زمان، کمیته کنفرانس از دولت ترکیه خواست تا به منظور کمک به این دولت در راه پیشرفت جدی در باره مسائل مورد نظر سازمان در رابطه با اجرای آزادی اجتماعات و دفاع از حق سازمان دهی کنوانسیون "۱۹۴۸ (شماره ۸۷)"، یک هیئت دو جانبه بلند پایه از آن کمیته را بپذیرد.

در آوریل ۲۰۰۸ یک هیئت بلند پایه سازمان جهانی کار نیز به ترکیه رفته بود. سفر این هیئت به دنبال درخواست کمیته کنفرانس در ژوئن ۲۰۰۷، با هدف کمک به دولت در اتخاذ تصمیمات لازم برای تطبیق قانون گذاری با کنوانسیون "شماره ۸۷"، انجام گرفت.

در ژوئن ۲۰۰۹، هنگام بحث در باره ترکیه، برای چهارمین بار از زمان تأیید کنوانسیون ۱۹۹۳ از سوی ترکیه، کمیته کنفرانس اعلام کرد که قاطعانه خواهان پیشرفت جدی در تطبیق قانون (به ویژه مواد شماره: ۲۸۲۱، ۲۸۲۲ و ۴۶۸۸) و اجرای آنها، با مفاد کنوانسیون است. علاوه بر آن، کمیته از دولت خواست تا هرچه سریع تر هر گونه اصلاح قانون اساسی را که برای اجرای کنوانسیون ضرورت دارد به مرحله اجرا درآورد. کمیته، دولت را واداشت تا برای تحقق گام های فوق یک برنامه کار با زمان بندی دقیق طراحی کند.

هیئت در طول اقامت خود در آنکارا، با نمایندگان وزارت کار و تامین اجتماعی، اتحادیه های کارگری (TURK-IS، HAK-DISK و IS)، اتحادیه های کارگری کارمندان دولتی (TURK KAMU-SEN، KESK، SEN و MEMUR-SEN)، انجمن کارفرمایان ((TISK، و رئیس کمیسیون بهداشت، خانواده، کار و مسائل اجتماعی مجلس ملاقات کرد. هیئت از اینکه امکان نیافت با وزیر کار و تامین اجتماعی و وزیر کشور، و همچنین سایر مقامات بلند پایه دولتی ملاقات کند، اظهار تاسف کرد. هیئت، در طی اقامت خود، با مقامات رسمی اتحادیه اروپا دیدار کرد.

هیئت از اتفاق نظر سه جانبه مبنی بر تطبیق هر گونه قانونی در آینده در باره حق اتحادیه های کارگری با کنوانسیون های ۸۷ و ۸۹ (کنوانسیون حق سازمان دهی و قرار داد دسته جمعی، ۱۹۴۹) مصوبه دولت ترکیه، استقبال می کند. وظیفه دولت و نهادهای اجتماعی است که تمام کوشش خود را برای دستیابی به یک توافق به کار گیرند. در این رابطه هیئت تأکید می کند که، دولت باید اجرای تعهدات بین المللی خود را تضمین کند. هیئت از اظهار تمایل رهبران HAK-DISK، TURK-IS، TISK و HAK-IS در جهت از سرگیری مذاکره و چیزی که به نظر می رسد واقع گرایی آنان باشد استقبال می کند. موضع مثبت انجمن کارفرمایان در برخورد با مسائل مطروحه از سوی اتحادیه های کارگری در رابطه با قانون اتحادیه های کارگری، قابل توجه است.

با تمام این حرف ها، شرکای اجتماعی (منظور دولت، نمایندگان کارگران، و کارفرمایان) باید از سیاست موضع گیری در خلوت که پایه ای است برای اتفاق نظر و موضع گیری متفاوت در جای دیگر خودداری کنند.

با توجه به اینکه هیئت بلند پایه در آوریل ۲۰۰۸ به ترکیه زمان بیشتری برای اقدامات لازم داد، جای تاسف است که تا این زمان، پیشرفت قابل توجهی در راه اتخاذ متون قانونی مربوطه وجود نداشته است. اما دولت یک پیش نویس قانون در مورد اتحادیه های صنفی را به سازمان بین المللی کار ارسال داشته است. از نظر زمانی برای هیئت امکان نگرش به این پیش نویس وجود نداشت. امکان دارد دفتر مرکزی نظر غیر رسمی خود را در باره پیش نویس به دولت اطلاع بدهد.

ادامه دستکاری های گسترده در انتخابات...

۲۰۰۵ درباره‌ی سرشماری ملی، قانون انتخابات، تشکیل کمیسیون انتخابات، تعیین حوزه‌های انتخاباتی، اشکال گوناگون انتخاباتی و جز این‌ها، را ارائه کرده‌ایم. این کار از طریق انتشار چندین بیانیه و اطلاعیه که در اختیار کارگزاران کشور برای اطلاع عمومی گذاشته شدند، صورت گرفته است.

برای ما روشن بود که برای موفقیت اهداف تعیین شده، باید برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه باشد. باید از تأیید و تعهد همه‌ی شرکت‌کنندگان برخوردار باشد. برای همین است که از همان ابتدا بر اهمیت لغو قوانین محدودیت‌زا به منظور ایجاد شرایطی سازنده برای فرآیند انتخابات تأکید

کردیم. این مهم از سوی دولت و جنبش‌های بی‌بخش مردم سودان در "توافق‌نامه فراگیر صلح"، "عهدنامه قاهره"، "پیمان شرق"، "پیمان ابوجا" و همچنین در آیین‌نامه دوران گذار بازتاب یافته است. لغو قانون امنیت ملی، قانون انتشارات و مطبوعات و همین‌طور قوانین دیگری که نقص‌کننده پیمان‌نامه‌های جهانی در مورد حقوق مردم که از سوی دولت سودان امضاء گردیده است و در قانون اساسی نیز بر اهمیت آنها تأکید شده است، از درخواست‌های دیگر حزب کمونیست بودند. افزون بر این، حزب کمونیست سودان بر این نکته تصریح کرد که شرط موفقیت‌آمیز برای دستیابی به یک سامانه انتخاباتی که توانایی تحقق اهداف مورد نیاز برای برابری و قانون‌گرایی در گزینش اعضای مجلس و تداوم کار آنان را داشته باشد به وجود آوردن یک توافق ملی با حضور تمام احزاب و سازمان‌های اجتماعی و مدنی در هماهنگی با تعیین عادلانه‌ی حوزه‌های جغرافیایی است. حل صلح آمیز و سیاسی مسئله دارفور در این فرآیند نه تنها دارای اهمیت زیادی است، بلکه می‌تواند در بازسازی صلح و امنیت در مناطق جنوب و غرب کشور موثر باشد. برای دستیابی به این وضعیت می‌توان گروه‌های مسلح را خلع سلاح و از بین برد. گام دیگر در این راستا، بازگرداندن اهالی رانده شده داخلی به محل زندگی خود و تأمین امنیت لازم برای یک زندگی دور از خشونت به قصد تسهیل ایجاد شرایط برای حضور فعال‌شان در روند انتخابات است.

حزب کمونیست سودان فعالانه در "اتحاد جوبا" و هم‌گامی با دیگر اعضا در مورد پیش‌نیازهای اصلی لازم برای یک انتخابات سراسری عادلانه و آزاد، و بازتاب واقعی اراده مردم مشارکت داشته است. برای تحقق یافتن این پیش‌نیازها باید قانون‌های محدودکننده آزادی لغو گردند. چنین اقدامی در هم‌خوانی با قانون اساسی دوران گذار است.

هنگامی که روند انتخاباتی آغاز گردید، حزب کمونیست سودان در نام‌نویسی و بسیج توده‌ها برای آگاهی از حقوقشان به فعالیت پرداخت. در ژانویه ۲۰۱۰، کمیته مرکزی حزب پس از ارزیابی شرایط انتخاباتی کشور به این نتیجه رسید که برای برگزاری یک انتخابات آزاد و منصفانه با چندین چالش روبه‌روست:

* ادامه بحران دارفور که هیچ‌گونه دورنمایی برای حل آن به چشم نمی‌خورد.

* تخصیص حوزه‌های انتخاباتی بر اساس نتیجه سؤال‌برانگیز سرشماری ملی صورت گرفته است. در منطقه‌های بی‌شماری از کشور، به جای سرشماری افراد سرشماری به صورت تخمینی انجام گرفته است. این نقص ناشی از وجود مسائلی مانند نبود امنیت، وجود مناطق مین‌گذاری شده و مردمی بود که در اردوگاه‌ها در منطقه‌های دارفور، جنوب، کوهستان‌های نوبا، دانوب آبی و دیگر نواحی در جنوب و پیرامون پایتخت بسر می‌برند. دیرتر، دولت به درستی این نکات را تأیید کرد و در توافقی با جنبش‌های بی‌بخش مردم سودان به افزایش تعداد کرسی‌های مجلس برای نمایندگان منطقه جنوب کشور و تعداد حوزه‌های انتخاباتی برای ناحیه دانوب آبی و جنوب ناحیه کوردوفان تن داد.

* ادامه اجرای قانون‌های تحدید و کاهش آزادی‌ها.

* دستکاری‌ها و اقدامات خارج از کنترل توسط حزب کنگره ملی، حزب حاکم، در مراحل اولیه نام‌نویسی برای شرکت در انتخابات.

کنترل مطلق حزب حاکم بر دستگاه‌های دولتی شامل کمیته انتخابات و استفاده از آن به نفع خود و حامیانش، استفاده غیرقانونی از منابع دولتی به نفع کاندیداهای حزب حاکم در کارزار انتخاباتی.

با وجود تمام این‌ها، کمیته مرکزی تصمیم گرفت شرکت در روند

انتخابات را ادامه دهد. در همان حال حزب در مورد تخلفات و ضرورت وضع قانون‌های دموکراتیک و ره‌یافتی برای مسئله دارفور و همین‌طور ضرورت بودن برگزاری یک انتخابات آزاد و عادلانه و دیگر خواسته‌های منصفانه هشدار داد. در حقیقت موافقت‌نامه "اتحاد جوبا" این نکات را در بیانیه‌ای به ریاست جمهوری در ۴ مارس ۲۰۱۰ انتشار داد، و در آن تعویق انتخابات را تا ماه نوامبر ۲۰۱۰ را پیشنهاد کرد.

ریاست جمهوری، دولت و حزب حاکم خواسته‌های "اتحاد" جوبا را نادیده گرفتند و به کارزار بی‌اساس خود ادامه داده و همه خواسته‌ها را مردود اعلام کردند.

"اتحاد جوبا" تصمیم گرفت با توجه به رد پیشنهاد به تعویق انداختن انتخابات از سوی رئیس‌جمهور و دولت، نشست‌های را در اول آوریل به منظور نهایی کردن موضع خود برگزار کند. از هر سازمان و گروهی خواسته شد تا دیدگاه‌های خود را در رابطه با انتخابات ارائه دهد. **هیئت سیاسی حزب همه گزینه‌های پیشنهاد شده را مورد ارزیابی قرار داد و بدین نتیجه رسید که در صورت رد پیشنهاد به تعویق انداختن انتخابات و ندادن پاسخ سازنده به خواسته‌های برحق، تا زمانی که این پیشنهادات پذیرفته نشده‌اند روند انتخابات را در همه سطوح تحریم کند** و حزب در تلاش خود تا هنگامی که "اتحاد جوبا" در مجموع به یک تصمیم هم‌رای نرسد از پای ننشیند.

در حقیقت "اتحاد جوبا" به استثنای سه گروه، تصمیم به تحریم انتخابات گرفت. این سه گروه تصمیم گرفتند که در روند انتخابات شرکت کنند. حزب امت اگر چه با بیانیه‌ی نشست موافقت کرد، ولی با این حال درخواست مهلت یک روزه برای پایان گرفتن جلسه بحث درونی خود را کرد. لیکن کم‌تر از ۲۴ ساعت پیش از تصمیم "اتحاد جوبا" در مورد درخواست مزبور، برخی از گروه‌های این اتحاد موضع‌های ناهم‌سازی را با تصمیم‌های پیشین اتحاد اعلام کردند.

در سوم آوریل ۲۰۱۰، هیئت سیاسی حزب در نشست‌های شرایط نوین را ارزیابی کرد و تصمیم حزب را مبنی بر موضع خود درباره تحریم انتخابات در تمام سطوح را تا زمانی که شرایط موجود تغییر نیافته‌اند تصریح کرد. حزب کمونیست سودان از همه‌ی توده‌های سودانی خواست که از شرکت در این انتخابات ساختگی خودداری ورزند.

حزب کمونیست سودان پس از سال‌ها ویرانی، فروری ارزش‌ها و از بین رفتن همه‌ی آزادی‌های دموکراتیک، نور امیدبخشی را پس از امضای "توافق‌نامه صلح فراگیر" و آغاز دوران انتقال، و همچنین در "موافقت‌نامه قاهره"، "موافقت‌نامه شرق"، "موافقت‌نامه ابوجا" برای برپایی دوباره زندگی سیاسی در کشور و بازسازی یک دولت سودان دموکراتیک متحد نوین مشاهده کرد.

برای تجسم این امید و رویا در زندگی واقعی باید با مسئله دوران گذار از جمله انتخابات سراسری، به سان مسئله‌ای سرنوشت‌ساز و بنیادی که به آشتی ملی و تفاهم ملی خواهد انجامید و تنها شامل تغییراتی ظاهری در ساختار قدرت و ادامه‌ی بحران نیست، برخورد کرد.

اکنون که به پایان دوران گذار نزدیک می‌شویم متأسفانه مجموع نتایج به دست آمده نشان‌گر تعمیق بحران و قطعی شدن شتابنده ناشی از پیاده‌نکردن توافق‌های انجام شده است. همچنین نشان‌دهنده افزایش در عوامل جداساز و پراکندگی تا افزایش عناصر وحدت بین جنوب و شمال است.

حزب کمونیست سودان به قصد آگاهی پیرامون آنچه امروز در کشور روی می‌دهد و می‌تواند بر همه‌پرسی تعیین شده برای سال ۲۰۱۱ تأثیر منفی بگذارد و ممکن است وحدت کشور را به خطر انداخته و بافت اجتماعی آن را ویران سازد، زنگ‌های خطر را به صدا درآورده است.

ما از همه‌ی مردم می‌خواهیم که برای پیش‌گیری از به وجود آمدن چنین شرایطی در این مقطع زمانی خطرناک با فعالیت و مبارزه خود منافع والای وطن را فراتر از منافع محدود گروهی قرار دهند.

هیئت سیاسی حزب کمونیست سودان

۳ آوریل ۲۰۱۰

بیانیه هیئت سیاسی حزب کمونیست سودان در باره انتخابات سراسری

دستکاری های گسترده در انتخابات سودان

• در سوم آوریل ۲۰۱۰ (۱۴ فروردین)، هیئت سیاسی حزب کمونیست سودان در نشست‌های شرایط نوین را ارزیابی کرد و تصمیم حزب مبنی بر موضع خود در مورد تحریم انتخابات در تمام سطوح را تا زمانی که شرایط موجود تغییر نیافته‌اند تصریح کرد.

”باید راه‌کردهای دیگری را جستجو کرد که متکی به بسیج توده‌ها برای ایستادگی و دفاع از خودشان باشد، تا آنان بتوانند به تدریج حقوق دموکراتیک خود را در نبردهای بزرگی که در راه رسیدن به دموکراسی، وحدت و عدالت اجتماعی در پیش است، تثبیت کنند.“

اعلام نتایج رسمی انتخابات سودان، که روزهای ۲۲ تا ۲۶ فروردین انجام شده بود، ظاهراً بنا به دلایل امنیتی، بار دیگر از سوی مقام‌های رژیم اسلام گرای سودان به تعویق افتاد. یک هفته قبل از برگزاری این انتخابات، حزب کمونیست سودان آن را به دلیل دستکاری های وسیع از طرف دولت دیکتاتوری اسلامی مورد تحریم قرار داد.

در رابطه با دلایل تصمیم حزب کمونیست سودان به تحریم انتخابات اخیر، که در جریان آن قرار است رئیس جمهور و نمایندگان پارلمان این کشور تعیین بشوند، گفتگویی با رفیق فتحی الفدل، از رهبران سرشناس جنبش سندیکائی سودان و عضو رهبری حزب کمونیست سودان، که در ماه های اخیر در خارطوم، پایتخت سودان، در جریان مبارزات انتخاباتی حضور داشته است، داشته ایم. رفیق الفدل با اشاره به بیانیه هیئت سیاسی حزب کمونیست سودان مبنی بر اینکه روند دستکاری های وسیع انجام شده از مدت ها پیش از انجام انتخابات عملاً امکان حضور موثر نیروهای مترقی را سلب کرده بود، اظهار داشت: ”انتخابات اخیر سودان بر پایه سرشماری و آمار انجام شد که دو سال پیش صورت گرفته بود. اما تقریباً تمام احزاب سیاسی اپوزیسیون با این رویه مخالفت کردند. جنبش رهایی بخش خلق سودان، که در دولت هم شرکت دارد، پرچمدار کارزار ابطال نتایج سرشماری بود. اما دولت همه احزابی را که در انتظار یک راه حل یا سازش در آخرین لحظه بودند، چشم انتظار نگاه داشت. آمریکا و متحدانش خواستار انتخاباتی بودند که حداقل تغییر را در چهره‌ها به همراه داشته باشد، در آن اثری از خشونت‌هایی که در انتخابات کنیا دیده شد نباشد، و زمینه را برای همه‌پرسی سال ۲۰۱۱ درباره آینده سودان جنوبی [مستقل شدن آن] فراهم کند. به همین دلیل بود که آمریکا نیز احزاب سیاسی را برای یک مصالحه محتمل چشم انتظار نگاه داشت.“ در رابطه با دلایل تحریم انتخابات، رفیق الفدل اضافه کرد: ”موضع اعلام شده حزب کمونیست سودان نیز این است که از همان آغاز و با توجه به روند رخدادها روشن بود که نتایج انتخابات به هیچ روی قابل اطمینان، عادلانه و شفاف نخواهد بود. به نظر حزب کمونیست سودان، شاید که تقلب یا تخلفی در روزهای انتخابات صورت نگرفته باشد، اما جعل و دستکاری در نتیجه انتخابات از مدت‌ها پیش و در روند سرشماری و ثبت نام رأی دهندگان تدارک دیده شده بود. به عبارت دیگر، آنچه در روز ۱۱ آوریل (۲۲ فروردین) رخ داد، سناریویی بود که از مدت‌ها پیش و با رضایت آمریکا تهیه شده بود.“ رفیق سودانی در انتقاد از موضع ایالات متحده و کشورهای سرمایه داری غربی در رابطه با تحولات اخیر سودان اظهار داشت: ”رژیم سودان انتظار یک واکنش [منفی] بین‌المللی نسبت به نتایج انتخابات را داشت و دارد، اما به

نظر می‌رسد که جامعه بین‌المللی به نوعی با این انتخابات تقلبی کنار آمده و آن را پذیرفته است.“ رفیق الفدل در رابطه با تبعات شرایط ایجاد شده و عدول دولت سودان از تعهدات خود در رابطه با اعاده دموکراسی در سودان، اظهار داشت: ”اکنون ما، اپوزیسیون و خود حزب ما، دوباره بازگشته‌ایم به سر جای اول‌مان. هنوز هم خواسته‌ها همان است که در ژوئیه ۱۹۸۹ (تابستان ۱۳۶۸) مطرح شد: احیای دموکراسی، حکومت قانون، حل مسئله اقلیت‌های ملی، توزیع عادلانه ثروت و قدرت، و حفظ وحدت کشور. تنها محصول این انتخابات، از دست رفتن هر گونه امیدی به وفاق ملی و مصالحه تاریخی با اخوان المسلمین مطابق با توافق نامه صلح همه‌جانبه ”نیفاشا“ میان دولت و جنبش رهایی بخش خلق سودان است، که تخته پرشی محسوب می‌شد برای بیرون بردن کشور از بحران و برقراری صلح، و انداختن کشور در مسیر دموکراسی کامل و راه‌حل‌های اساسی و ریشه‌ای برای همه مسائل، از جمله مسئله ”دارفور“. بدون داشتن چشم اندازی واقعی برای راه‌کردی دموکراتیک، مسئله دارفور حل نشده باقی خواهد ماند؛ حاشیه باریک دموکراتیک کنونی ممکن است برای مدتی کوتاه ادامه یابد، و جنوب کشور در مسیر جدایی قرار می‌گیرد. جامعه بین‌المللی ممکن است به حرف زدن صرف درباره حقوق بشر و غیره ادامه دهد، اما کمکی به اپوزیسیون نمی‌کند. آنچه اپوزیسیون می‌خواهد و در پی آن است، طبیعتاً به هیچ وجه در دستور کار آمریکا قرار ندارد. این امر ممکن است به ایجاد معضلات و دشواری‌هایی بینجامد، اما هم حزب کمونیست سودان و هم دیگر نیروهای اپوزیسیون باید راه‌کردهای دیگری را بیابند که بیشتر متکی به بسیج توده‌ها برای ایستادگی و دفاع از خودشان باشد، تا بتوانند به تدریج حقوق دموکراتیک خود را در نبردهای بزرگی که در راه رسیدن به دموکراسی، وحدت و عدالت اجتماعی در پیش است، تثبیت کنند.“

بیانیه هیئت سیاسی حزب کمونیست سودان در باره انتخابات سراسری در سودان

انتخابات اخیر سراسری در سودان سنگ‌بنای مهمی در راه گذار به دموکراتیزه کردن کشور، همان گونه که در قانون اساسی موقت و تمام موافقت‌نامه‌های بین ”رژیم نجات ملی“ و نیروهای مخالف آن نگاشته شده است، محسوب می‌شود. خط‌مشی اصولی حزب کمونیست سودان همان گونه که در سال ۲۰۰۵ اعلام گردیده است، بر این باور استوار بود که برای آغاز و تکمیل دوران گذار، با هدف انحلال دولت استبدادی و برپایی دولتی دموکراتیک که بیان‌گر خواست آزادانه مردم و برقراری یکپارچگی کشور و رسیدن به دموکراسی کامل، باید در انتخابات مشارکت کرد. ایجاد گسترده‌ترین جبهه‌ی ممکن بر خواست آزادانه مردم بین شمال و جنوب کشور در این روند از اهمیت بسزایی برخوردار است. برگزاری همه‌پرسی در رابطه با خودگردانی در جنوب سودان در سال ۲۰۱۱، تمایل واقعی مردم در این زمینه را نشان خواهد داد. حزب کمونیست سودان در این رابطه از همان ابتدا در بیانیه‌های خود پیشنهادات مشخصی داده است. ما مواضع حزب را از سال

ادامه در صفحه ۱۱

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی:
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس های اینترنت و "ای-میل"
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 841
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

26 April 2010

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRANe.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse